

در صفحات دیگر می خوانید :

- جنبش دانش آموزی و مسائل دبیرستانها
- تروریسم در مقابل جنبش توده ها
- کردستان همچنان میرزمد ...

بيانیه ما موستا شیخ عزالدین حسینی
درباره اوضاع جاری کردستان
بیاد رفیق شهید " کاک احمد شعبانی

سه شنبه - ۲۸ بهمن ۱۳۵۹ - ۳۰ ریال



۲۰

نحو

لرگان سپاهی تبلیغی گروه کمونیستی نهاد

مجاهدین

به بورژوازی نزدیکتر
می شوند!

پیامون معاحبة مجاهد با
"قاسملو"

اخیراً مصاحبه ای توسط سازمان
مجاهدین خلق با رهبری حزب
دموکرات کردستان (قاسملو) صورت
گرفته است . این مصاحبه ببورژوازی
در هرایط و اوضاع حاد بحرانی
کنونی جامده ما و سهندی
بقیه در صفحه ۹

در منطقه خلیج فارس
چه می گذرد !

انتشار اخبار زلزله های
زمینکش منطقه که در نقاط حساسی
چون ایران و فلسطین اشغال شده
شعلهور شده است امپریالیستها
را بیش از گذشته بر قابست
بقیه در صفحه ۱۱

خلق در مذبح ضد خلق

در صفحه ۱۳

اوضاع بحرانی را دریابیم!

بوست و گوشت و استخوان خودخیانت
و دشمنی این جمهوری را بر علیه خود
بیشتر و بیشتر احساس و درک مینما
یند . روزی نیست که این جمهوری
فشارهای سیاسی - اقتصادی - فرسنگی
خود را برگردد زحمتکشان
و روشنفکران وابسته بدانان بیش
از پیش گسترش نداده باشد . دیروز
خبر از قطع و یا کاهش سود و بیزه
بقیه در صفحه ۲

هدنو و اتهام هجت به
"پیشوای"

رشد بحرانهای اقتصادی - سیاسی و رشد مبارزه طبقاتی درون جامعه ما بیش از همه در کنار رژیم ضد انقلابی حاکم ، عوامل سرسپرده امپریالیسم را نیز به تکوشا انداده است تا بدنبال راه چاره مناسب حداقل تلاش خود را بنمایند تلاش کنند که سدی در مقابل رشد جنبش توده ای فراموش آورده و حاکمیت رژیم ضد انقلابی حاکم و به تبع آن مخالف امپریالیسم جهانی در ایران را بسرعت بیشتر تداوم بخشدادا بپرسوست که

مبارزه قانون مطلق

در صفحه ۱۶

هر روزی که از عمر جمهوری اسلامی
میگذرد بیکقدم نه بلکه دهها قدم
به زمان انفجار عظیم زحمتکشان
ایران برای سرنگون ساختن این
جمهوری ننگین شریدک ترمیشویم
هر روز که از عمر جمهوری اسلامی
میگذرد توده های زحمتکش میباشد
در کارخانه ها ، در رستوران ها و درسا -
سیر مراکز اجتماعی چه در گستره
پراستیک خود بخودی خوبیش را چه با

زهی خواری شرکی
جمهوری اسلامی

پس از قیام بهمن ماه ۵۷ بدلا -
یلی چند و از جمله :
۱ - اینکه زحمتکشان رستوران ، در
طبقه جنبشیان انتقام که در جامعه
جریان داشت . چشم انداز دستیار -
بقیه در صفحه ۷

یاد شهیدان خلق ترکمن
گرامی باد!

در صفحه ۱۲

گارگران جهان متحده شدند و بود!

وهمه جانبی کمونیستها و سایر دمکراتهای انقلابی است که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی یک دم و یک نفس از آن غافل نیستند.

در هر صورت این سرنوشت محتموم و بدون بروبرگر دبورزوازی متوسط، خرد بورزوازی مردم سنتی و هرسیروی خود بورزوا، بی دیگری واژ جمله نیروها یکه حتی امروز علیرغم همه عقاید فدانقلابی و تزلزلات خود در مجموع در صفا انقلاب هستند، میباشد که وقتی بسلا پرتاب شوند و ماشین دولتی را در اختیار خود درآورند در شرایط عدم رهبری کمونیستها واقعی و حزب راستین طبقه کارگر بیازسازی و ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته در قلمرو صنعت، کشاورزی، بوروکراسی، ارتش و... برآیند. این دیگر کمونیستها نیستند که بگویند این جمهوری اسلامی وارث رژیم شاهنشاهی بدون شاه است که بجایش ولایت فقیه نشسته، و در سیاستهای اقتصادی خود در صنعت و کشاورزی، بوروکرasi، ارتش ادامه دهنده همان سیاستهای محمدرضا شاه است و حتی در موادر-دی مثل سیاستهای تبلیغاتی و گسترش فرهنگ سیاسی اسلامی آلوهه به خرافات و توجیه کننده منافع استثمار-گران، استاد رژیم محمد رضا است. بلکه خودگردانندگان رژیم اکنون پس از دو سال در حاکمیت خود را بتعویق موردنمود و برای اینکه پایان حاکمیت خود را بتعویق بیندازند زبان به اعتراف گشوده اند که "در زمینه کشاورزی و صنعت احتیاج مابه واردات روز بروز افزایش یافت" ، "در زمینه کشاورزی میزان وابستگی بیشتر شده است و در جهت استقلال اقتصادی قدمی برداشته شده است" ، — انقلاب اسلامی، ۱۸/۱۱.

این دیگر کمونیستهای واقعی نیستند که چهره واقعی ریا و تزویر و عواطفی از این جمهوری اسلامی سرمایه داران وهمه دولتمردان آن اعم از خمینی، بهشتی، خامنه‌ای، رفسنجانی، بنی صدر، بازرگان سحابی و... و تمامی کاسه لیمان و نوکران بورزوا زی اعم از رویزبیونیستهای حزب توده‌ای، "اکثریت" و سه جهانی را بمردم زحمتکش مینمایند و میگفتند که روز بروز بیشتر از پیش جامعه در منجلاب وابستگی فرو میروند و امیریالیستها با ترمیم حلقه‌های گسته شده زنجیر وابستگی، حاکمیت ضربه خورده خود را بر سرنوشت ما مرحمت کرده و دست و پا و کمرمان را بارابه انحرافات بین‌العلی مینندگانلکه اکنون مدتنی است که به دلیل تشدید ترور و خفغان بر جامعه و رشد سریع نرخ تورم و کمبود مایحتاج عمومی، و نبود خدمات اولیه، جیره بندی مواغذائی، کسر حقوق کارگران و کارمندان و قطع سود و مزایای آنان، رشد بحران بیکاری و اعلام دولت داشت بر عده استخدام در ادارات و نبود برنامه و... جان مردم بیلب رسید، و رژیم جمهوری اسلامی مجبور شده است باز برای اینکه برگردد مردم سوار گردد خود حقایقی را که کمونیستهای واقعی از مفهومها پیش میگذارند محدود بگویند: این از کارگران روزیم هستند که زبان با اعتراف گشوده اند که:

الف- میزان واردات‌گندم در سال ۵۸ نسبت

کارگران بودا مروز میخواهند با داش و عیبدی آنان را که در واقع حاصل کار خودشان است و سرمایه داران به انواع حیل از آنان بازمیستندند، بازپس ندهند. اگر در روزهای اول انقلاب نما یندگان آکاه طبقه کارگر را در کارخانه‌ها مورد شناسایی و ضرب و شتم، ترور و دستگیری و حبس قرار میدادند، اکنون مدتهاست که علاوه بر ساخته در کارخانه‌ها، کارگران را بطور سیستماتیک و اداری بکار شدید و برنمودن هرچه بیشتر جیب سرمایه داران ننموده و از طرف دیگر بصورت سازمان یافته دست به شناسایی، اخراج، سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری پیشوان طبقه میزند. اگر تا دیروز دست و پای جمهوری اسلامی برای تحمل انجمنها و شوراهای اسلامی ضد کارگران و وادار نمودن آنان به اضافه تولید و مزایای کارگران و وادار خود ساخته بر علیه کارگران و قطع حقوقی و مزایای ایران و عراق، هم فشار سیاسی، ترور، اختناق و نا بودی بقا یای فضای دمکراتیک محمول قیام شدت یافته وهم برآمد استثمار بسی افزوده گشته است. عین همین فشار واختناق سیاسی و تشدید استثمار اقتصادی در مورد دهقانان میانه حال و فقر و سایر زحمتکشان شهری و نیروهای انقلابی مادق است. اگر تا دیروز بقول خودشان با مسلح نمودن فئودالها بجانب دهقانان فقیر و رنج کشیده مان که سالیان منمادی است زیر فشار طاقت فرسای زندگی در حال نابودی هستند میافتدند، ولی امروز دیگر احتیاجی به مسلح کردن فئودالها نیست، بلکه "پاسداران اسلام" خود دست به کشتار و قتل دهقانان میزند. اگر تا دیروز جمهوری اسلامی مجبور بود برای جلوگیری از آتش خشم انقلابی دهقانان مبالغی را بعنوان وام در اختیار آنان گذارد امروز بواسطه جنگ خانمانیوز غیر عادلانه حمهوری اسلامی و رژیم بعضی عراقی که باعث خالی شدن خزانه رژیم گردیده حتی همان مبلغ ناچیزی که بعنوان "کمک" داده میشد قطع گردیده. اگر تا دیروز برای منحرف کردن مبارزات دهقانان و خنثی نمودن ابتکارات انقلابی کمونیستها مجبور بودند که در ظاهر با بند (ج) اصلاحات اراضی داشت بر تقسیم اراضی در مناطقی از کشور موافق نمایند امروز بواسطه این جنگ ارتجاعی دو بورزوازی ایران و عراق، حتی همین طرح هم که رفرمی جهت حال اقشاری از دهقانان بود بازپس نشانده شد. اما اگر از "حق" نگذریم یک سیاست رژیم از دیروز تا با مروز یعنی حتی بعد از وقوع جنگ بسیار کمترین ضعی و با کینه هرچه تعاون با جرا درآمد. و این سیاست یکسان همانا سیاست کشتار و قتل عام مردم زحمتکش، ملیت‌ها، و عنصر سازمانها و گروههای کمو-تیستی و دمکرات است. اگرچه خمینی در روزهای اول جنگ و بعد از حمله وسیع وناگهانی نیروهای هوابی ارتش ضد خلقی ایران با رژیم جنایتکار عراق و "پیروزی" متعاقبان تمايل واقعی خود در "خفه" کردن انقلابیون ایران داشت ولی هنوز این فرصت را نیافته اند. کشتار وسیع

آقای بنی صدر ولیبرالها نیستند که به بازسازی و ترمیم مستحکم ترین ستون نگهداری سیستم سرمایه‌داری و این بسته یعنی ارتضی فدختی شاهنشاهی و حتی ریختن آب تطهیر بروی فرماندهان جنایتکار آن مشغولند. مگر دولت موقت همین "لیبرالها" نبود که از هیچ خیانت و جناهی بنی نسبت به انقلاب کوتاهی ننمود؟ و بالآخره اگر لیبرالها شخصی بنی صدر و بازرگان واعوان و انصار آنان در قدرت سهیم نیستند پس چگونه است که اکنون قریب چندماه است که از عمر کاپیته ارتقا عی رجاشی میگذرد ولی هنوز بدلیل مخالفت "لیبرالها" شخصی بنی - صدر، رجا بی نتوانسته است که ۲ نفر از مهمترین وزرا یش را انتخاب نماید؟

"لیبرالها" بسیار حیله گوند! امروز توده‌های زحمتکش ایران اعم از کارگران و دهقانان ملیتها، افشار زحمتکش شهری، علیرغم همه تشنفات جمهوری اسلامی بدلیل وجود بحران ساختی و کسب آگاهی - های سیاسی - اجتماعی در بستر پراستیک خودبخودی خوش و از آنجاییکه سرنیزه جمهوری را همه جا برگردان خود حس نموده‌اند و در پرتو آگاهی‌های انقلابی، کمونیستها و سایر انقلابیون بیش از پیش ما هیبت خائنانه این جمهوری برا یشان روشن شده است. بهمین دلائل شکاف عصیانی در راس هرم قدرت ایجاد گردیده است. هریک از جناحهای حکومتی دیگری را مسئول این همه نابساما. نیها و کشاندن مملکت بورده تشید و باستگی و مهلهک سیاسی معرفی مینماید تا گلیم خود را از آب بپرسون بشکند و جنین وانمود کنند که برداشان کبریا یشان نشسته گرد! "لیبرالها" مدت‌هاست تبلیغ مینمایند که سلطه امپریالیستها، براستبداد اتفاک مینمایند ولذا خط حزب جمهوری اسلامی با استبداد سیاه خودخط امپریا - لیستهای سیاست و نه خط امام. بنی صدر در انقلاب اسلامی ۱۱/۱۱ این مضمون را بازتر نموده و گفته است در انقلاب ایران (یعنی جمهوری اسلامی) دو خط وجوددارد که یکی "برسازندگی تکیه دارد و میخواهد بیانگر و مظہر آن باشد" یعنی خط خودش و مجموع "لیبرالها" و دومی "جریانی که به تخریب و تسلیم تکیه دارد و بیانگر و مظہر آنست" یعنی حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر سردمداران حزب جمهوری اسلامی و "مکتبیون" نیز معتقدند:

"درا ین کشور دو طرز تفکر موجود است یکی تفکر خدایی مبتنی بر قرآن و رهنمود گرفته از امام امت که تعلیمات اسلام و حرفهای رهبر را قبول داشته و به آن عمل میکند (یعنی خودشان - نمود) و دیگر تفکر ماده گرایی است این گروه هرگز حرکتی را با معیار مادی میسنجند (منظور "لیبرالها" است - نمود)"

وروزی نیست که صفحات روزنامه جمهوری اسلامی و نطقها و خطابهای آنان مزین باشند "افشاگری" نباشد که "لیبرالها" و "میانوروها" ، پایگاه امپریا - لیسم آمریکا هستند و آمریکا از قبل از قیام نیز خواهان انتقال سالمت آمیز قیام بدست اینسان بود و آنان بپروردخانه امام نیستند.

اما در حقیقت هم در قضاوت حزبیون وهم در قضا-

← سال ۵۷ افزایش یافته و در برابر مقدار خرید گندم از روساییان از رقم حدود ۴۰۰ هزار تن به ۴۲۶ هزار تن کاهش یافته است".

"ب- در زمینه مرغداری نیز بهمین ترتیب است ... تاسف آور اینکه فروشندۀ عده ذرت آمریکا و آرژانتین است که بعداز محاصره اقتصادی و بعد از جنگ تحملی چنان عرصه را بما تنگ کرده- اند که در نتیجه این منع صادر صدواست مرغداری در شرف تعطیل شدن قرار گرفته است."

"در زمینه دامداری نیز بهمین ترتیب است یعنی در اثر نرسیدن علوفه که باید از خارج کشور وارد کرد. میزان تولید شیر به حدود یک سوم قبل از شروع جنگ تحملی کاهش یافته است ..."

"ملاحظه میشود که در زمینه کشاورزی میزان و استگی بیشتر شده است" در اثر عوامل گوناگون منجمله نرسیدن مواد اولیه، لوازم یدکی، مسائل و مشکلات کارگری تولیدات داخلی رو به کاهش نهاد و ... بواردات روی آوردیم"

(تمام نقل قولها از همان منبع)
قابل توجه است که امروز این ورشکستگی رژیم از زبان لیبرالها بیان میشود و این اعلام ورشکستگی بیشتر در سخنرانیهای بنی صدر و ارگان "لیبرالها" یعنی "انقلاب اسلامی" گفته شده است و این کیانیتی بس عظیم است که امروز لیبرالها با برنا مندو نقشه بپای تبلیغ آن میروند. اکنون اگرچه اکثر اهرمهای قدرت در قبضه حزب جمهوری اسلامی بوده ولی این از شارلاتانیزم و خیانتکاری "لیبرالها" است که میخواهند عاقب ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی را از گردن خود خارج کرده و تمام آنرا بگردن حزبیون بیندازند. در حالیکه آنها خود در قدرت سهیم بودند و هستند و باید خود بپای میز محاکمه کشیده شوند. مگر همین آقایان بنی صدر و قبل از او بازرگان نبودند که دستور کشتار خلق قیه را صادر نمودند. مگو همین آقایان بنی صدر خانه بخانه، کوچه بکوچه، شهر بشهر جنبش انقلابی کرده اند سرکوب کنید و تا اتمام کار پوتینها بستان را از پای بیرون نیاورید. مگر همین آقایان بازرگان و زیرکشورش صبا غیان نبودند که برای دوره‌ای پرچم سرکوب انقلاب در سراسر ایران و سرکوب و کشتار خلق کرده اندست داشتند؟ مگر همین آقایان بنی صدر نبود که دستور اتحلال شوراهای انقلابی را صادر کرد و گفت "شورا بی، شورا" و از جناحیت فاشیستی جمهوری اسلامی نسبت به رهبران خلق ترکمن جانبداری کرد. مگر همین آقایان بنی صدر نبود که بارها مکررا تبلیغ مینمود که ماباید بست و باستگی به کشورهای اروپایی و امپریا - لیسم ۱۱ برویم. مگر همین آقایان بنی صدر نبود که بدفاع از مالکیت خصوصی سرمایه‌داران پرداخت. و استکار ترمیم سیستم با نکی کشور واستثمار از طریق سرمایه‌های بانکی را در دست گرفت. مگر همین آقایان بنی - صدر نبود که برای "والدهایم عزیزش" نامه نوشت و تقاضای حل مسئله "گروگانها" را نمود. مگر همین

بی که دولت با زرگان موقت انجام داد ولی "تبليغ" ننمود و روز دیگر میگوید انتخاب دولت موقت کار اشتباہی بود و با زرگان کارهارا خراب کرد.

ویکروز هم متوجه میگردد مردم زحمتکش از دست حکومت جمهوری اسلامی به تنگ آمده‌اند فرباد مردمی ورد که همین دولتیان نمیگذاشتند انقلاب ادامه پیدا کنند اما کدام انقلاب؟ پایین کشیدن عکس شاه در ادارات و تعبیف کاغذهای اداری ملحق به عکس و آرم دوران شاهنشاهی!

خمینی این رجلی که نقش منحصر به فردی در بازنگه -

داشتن انقلاب و حفظ و تداوم توهمندی ها نسبت به جمهوری اسلامی بازی ننمود، در دوره جدید نیز نقش خود را کما فی السابق حفظ نمود "بازی" مردم زحمتکش! و "بازی" جناحهای حکومت! در همین هفته‌های اخیر از یکطرف در "پیام ملح" و در واقع در پیام رسایخ تزویر گفت تمامی سازمانهای مسلح بیانند به نصائح این "پدر" گوش فرا دهند و سلاح خود را تحويل دهند و ما هم با آنان امان میدهیم. - بگذریم از اینکه همین آقای خمینی از همان روزهای اول جنگ میخواست همه نیروهای انقلابی را "خفه" کند - و از طرف دیگر بر علیه هردو جناح حکومت فریاد بر میکشید که اگر بخواهید به این روشهای خود دادا مدهید هر آنچه بشما داده‌ام پس میگیرم. انگار که روش‌های آنان در جای دیگر غیر از حسینیه جماران و از مفز خود او سرجشه میگرفته است. اما خمینی در "بازی" دادن زحمتکشان و جناحهای حکومت زرنگتر از آنست. او زحمتکشان را بازی میدهد تا با استثمار بورژوازی تن در دهد و حکومت سرمایه اور اگردن نهندولی جناحهای حکومت را بازی میدهد که هردو بتوانند باهم کنار بیانند و حکومت سرمایه را ترمیم کنند و در عین حال هرجاکه زحمتکشان فریاد شان بلند شد خود او هم فریاد بر می‌آورد که منهدم در کنار مردم هر آنچه بشما - دولتیان - داده‌ام پس میگیرم! اما همین آیت‌الله که اینکه در پاک و مقدس وزاهد معرفی شده آنقدر ریاکار و مزور است که وقتی میبینند توهنهای زحمتکش خلق ما بدليل ناگاهی خود بدور بمنی صدر حلقه زده‌اند او نیز از شدت حملات خود بر ضد بمنی صدر کاسته و به تقویت او میپردازد. مرا -

جهه کنید به پیام ۱۱ ماده‌ای خمینی -

خلاصه بازار مکارهای است برای فریب مردم و غالب نمودن جنس خود. و در این میان "لیبرالها" و بنی - صدر که ناظر انزواج بیش از حد محیف هستند شعر را آغاز می‌نمایند "وست، استقامت، خود جوشی" تئوری جدید بمنی صدر تاز میان آنها سال را "سال استقامت" در برابر خمینیون بنا می‌نمایند. سال استقامت "لیبرالها" آغاز دوره جدیدی است. اگر "لیبرالها" اکنون که ازا اینهمه نفوذ و قدرت اجتماعی برخوردارند برای قبضه کردن قدرت نجذبند "فردادیم است" باید "بیش از اینکه دیر بشود، وطنشان را از عطر طلاق کنند". و در همین دوره جدید است که ما از یک شاهد کوتاه آمدن حزب در برابر بمنی صدر هستیم و از طرف دیگر زمزمه کودتای بمنی صدر از این طرف و آن

وت "لیبرالها" نسبت بآنان دوقضا و اصولی وجود دارد. اول اینکه همانطور که "لیبرالها" میگویند حزبیون خود بولدوزرهای هستند که جاده‌ناهی‌ها را شده نفوذ امپریالیستها را هموار می‌نمایند، مرفه از اینکه این ادعای "لیبرالها" چیزی جز نفی و قیب و بعده گرفتن مسئولیت نفوذ کامل و گسترده امپریالیستها بوسیله خودشان نیست اما از نظر سرولتاریا استبداد بر علیه زحمتکشان به تحکیم نفوذ امپریالیستها منجر خواهد شد.

دوم اینکه همانطور که حزبیون میگویند "لیبرالها" نیز خود پایگاه نفوذ و سلطه اتحادیات امپریالیستی در می‌نمایند. آنها از هیچ کوشش برای سازش با امپریالیستها و ترمیم سیستم سرمایه‌داری وابسته غافل نمی‌نمایند. اما هم "لیبرالها" وهم حزبیون از یک نکته بسیار اصولی غافلند و آن اینکه بجهت آنها هم دیگر را متهم بقرار نگرفتن در خط امام می - نمایند و در واقع هم حزبیون وهم لیبرالها از پیروان ارتکس و کاملاً پروپا قرص خط امام هستند. آنها هردو باتفاق آفای خمینی در مجموع از یک خط پیروی مینمایند و آنهم خط حفظ و ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته و خط سازش با امپریالیستها در پوشش "اعتداد مردم به شعارهای توخالی مثل اعتیاد مردم بمداد مخدراست" - انقلاب اسلامی ۷ بهمن نقل بمعنی و خط کشtar فاشیستی زحمتکشان ایران و حاکمیت ترور، خفغان، شکنجه و دار برای کمونیستها و انقلابیون و دومین نکته‌ای که قابل ذکراست برخورد غیر منصفانه حزبیون با "لیبرالها" است! این فقط جمهه وسیع "لیبرالها" اعم از بازرگانها، بختیارها، سنجابی‌ها، مقدم مراغه‌ای‌ها و... نبودند که با نمایندگان امپریالیستها در پشت کشاندن انقلاب خود داری ننمودند.

اما وقتی صحبت از رشد آگاهی‌های مردم و فروع ریختن سریع توهمندات آنان وايجاد شکاف در راس هرم قدرت و پیروان کشیدن گلیم هریک از جناحها و ریختن آب تطهیر بر روی خیانتها ای خود و مقص درانستن جناح رفیب در میان باشد. حتی "بنیانگذار جمهوری اسلامی" این شیخ خبیثه ایکه خود را مافوق همه طبقات و مافیها قلمداد می‌کند چاره‌ای ندارد وقتیکه به سرکوب انقلاب و به بازسازی سیستم میپردازد، گلیم خودش را از آب پیروزی بکند وهمه "گناهان" را بگردان حزب جمهوری اسلامی و "لیبرالها" بیندازد. اونتنهای همه مردم زحمتکش را "بازیجه" خیانتهای خود قرار داده است بلکه حتی جناحهای حکومت را نیز "بازی" میدهد. یکروز بیش لیبرالها میزند یکروز بیش حزب جمهوری اسلامی میزند، یکروز از بازرگان و دولت او تمجید می‌کند و میگوید حیف از اینهمه اقدامات انقلاب

جاری و اساسی در ارتباط با همه سیاستهای فدائیانقلابی گذشته آنها با یستی بخصوص نقاب از چهره "لیبرالها" و بیویزه بنی صدر بردارند و مشارکت او را در اداره جمهوری اسلامی و "میناقبهای وحدت" اورا با حزبیون در وحدت پراپرای سرکوب انقلاب و خیانت به زحمتکشان نشان دهند. کمونیستها باید با تکیه بر ویژگیهای خمینی داشت بر وابسته نبودن کامل او به جناح "لیبرالها" و حزبیون ووابسته بودن کامل خمینی به برآیندیرو-های اجتماعی "لیبرالها" و حزبیون برآیندی که توهم توده‌های مردم زحمتکش بهریک از جناحین تعیین گشته است. بافتای ماهیت خائنده او بپردازند. کمونیستها باید بخصوص بافتای دروغپردازیهای آگاهانه خمینی روی این عقاید عامیانه در مورد او که میگویند خود خمینی خوبست و اطراقیانش بد هستند، با مقایسه با همین تفاوت در مورد شاه، خط بطلان بکشند. بعارت کامل.

تر ما باید از تبلیغ ماهیت خائنده هریک از جناحین لزوم تبلیغ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را مطمح نظر قراردهیم. شک نیست تبلیغ اگر بخواهد محتواه کامل مارکسیستی خود را بازیابد باید پارا از محدوده نفی کهنه به جایگزینی نوار تقاضه دهد. یعنی باید به تبلیغ برنامه خود در برخورد بمسئل مخالف اجتماعی بپردازد. اینجاست که کمبود اساسی جنبش کمونیستی و نبود برنامه کامل بچشم میخورد.

۴- وظائف ترویجی: تاریخ جنبش کمونیستی می‌بینما در دوره ایکه مادران بسر میبریم بطور اجتناب ناپذیری چنین رقم خورد که دنیا بی از وظائف عملی همراه با یکسله کارهای سیاسی عمیق (کارتلوریک) دریک زمان با هم تلاقی نمودند و ما مجبوریم تا وان انحرافات گذشته را هم امروز که دهها وظیفه عملی هر روز در مقابله مان قرار میگیرد یکجا بپردازیم. بنا بر این معا باید در کنار کار تبلیغی بوظائف بس خطیر خود در نجام کارهای ترویجی نیز همت‌گماریم. این کارت‌ترویجی باید شامل موارد زیر باشد.

الف- مبارزه ایدئولوژیک در راستای جمعیت‌ندي از انحرافات جنبش کمونیستی و جمعیت‌ندي از سازمانها و جریانات مختلف سیاسی.

ب- تکامل آگاهانه پیکان مبارزه ایدئولوژیک از روی مبانی سیاسی - اجتماعی بمعانی اقتصادی اجتماعی یعنی جهت دادن ارزیابی از سیستم سرمایه‌داری وابسته از مقولات سیاسی به مقولات اقتصادی ساچمای و بسیاری مقولات دیگر در همین قلمرو که تدوین مشی و برنامه کمونیستی مستلزم با سخکوشی بدانهاست و اصل روش شدن خود همین ابهامات مشی و برنامه کمونیستی است. بالاخره اگر ما از تدوین مشی و برنامه کمونیستی صحبت میکنیم باید بپای تدوین همین مسائل

طرف شنیده میشود. بنظر ما در شرایط امروز بنفع منافع امپریالیستها و بورژوازی ایران نیست که بنی-صدر و جناح "لیبرالها" دست بکوبدتای نظامی بزنند چرا که سیاه پاسداران و کمیته‌های ارگان حزب آنقدر قدرت نظامی دارند که در مقابل کوبدتا ایستادگی نمایند و کار را بجایی برسانند که جریان امسور از دست هر دوی آنان خارج شود انقلابیون بتوانند از این شرایط سود جسته‌ند. نه، "لیبرالها" چنان حماقتی نخواهند کرد آنها همچنان به تقویت و گسترش نفوذ اجتماعی خود ادامه میدهند و از همین تاکتیک از یکطرف امام را با خود همراه خواهند کرد و از طرف دیگر کوشش خواهند نمود تا نیروهای سیاسی متزلزل را هر روز بیشتر به سوی خود بکشانند و سپس به قبضه قدرت دولتی خواهند پرداخت. این تاکتیک در عین حال مورد درخواست امپریالیستها نیز میباشد. بخشی از رویزیونیستها - سه جهانیها - در این تاکتیک همراه "لیبرالها" و بنی-صدر میباشند. از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را بکار خواهد بست که جهان و رشته‌گی اجتماعی خود را با قبضه کردن همه ارگانهای دولتی تلافی کند. حزب برای کسب وجهه اجتماعی سعی میکند اولاً حمایت خمینی را همراه داشته باشد ثانیاً شخصیت‌های سیاسی ناشاخته و ناآلوده ای رادر کابینه خود دارد نماید. در مورد خمینی همانطوریکه گفته شد خود خمینی همانگونه که بر توهم توده‌های ناگاهه سواراست خود تابع همین توهم بیش دو جنایت حکومتی است و امروز چنین تسوده‌ها نسبت به بنی صدر و "لیبرالها" متوجه هستند و چشم انداز تقویت نفوذ اجتماعی بیشتر "لیبرالها" قابل ترسیم است، لذا احتمال کسب حمایت خمینی نسبت به حزب ویا حتی حالت بینا بینی بچشم نمیخورد. اما در مورد ورود عناصر ناآلوده بکابینه آنها، بعید بنظر نمیرسد. ولی از این تاکتیکها طرفی بروت خواهند بست هرچند که در این راه حزب توده و "اکثریت" حلقه نوکری آنان را بگوش داشته باشند و هرچند که عناصر با جریاناتی در درون حزب به سوی امپریالیسم شوروی و بلوک شرق گرایش داشته باشند. در این صورت وظایف کمونیستها چیست؟

۵- وظایف تبلیغی: همانطور که گفته شد امروز هم خمینی وهم لیبرالها وهم حزبیون میخواهند کناء این همه بحران سیاسی - اجتماعی را از دام خود بزدایند و توده‌های مردم زحمتکش بخصوص نسبت به خمینی و "لیبرالها" متوجه هستند. کمونیستها وظیفه دارند نقش خائنده همه آنها و بخصوص خمینی و "لیبرالها" و شخص بنی صدر را افشا نمایند. کمونیستها ضمن افشاء ماهیت خائنده حزب جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل

نیزد سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

آنده بطور مژده مژده بیان شماشیم چراکه در این مرحله از رشد جنبش توده ای و شکاف عمیقی که در هیئت حاکمه وجود دارد از اهمیت درجه اولی برخوردار است که متناسبانه جنبش کمونیستی در مجموع بدان بهاء نمیدهد.

همچنین در شرایط مشخص امروز همانگونه که ما از ماهها پیش مطرح نمودیم تاکتیک وحدت عمل همه نیروهای کمونیستی و انقلابی باید اجرا گردد.

وحدت عمل روی مسائل مشخص روزمره و وحدت عمل در این با آن تاکتیک مرحومهای، برا ساس "پلاتفرم مشخص". معیار پلاتفرم مشخص نه از روی حرف بلکه در واقعیت عینی.

در تظاهرات ۲۳ دیماه و در تظاهرت ۲۲ بهمن ما از هیچ کوششی برای نقض معیار کمونیستی یعنی نفسی وحدت عمل برا ساس پلاتفرم مشخص و جایگزین نمودن نیرو و بزرگی فروگذار نگردید.

بنظر ما وحدت عمل در مسائل روزمره و یا اتخاذ تاکتیک مرحومهای مشترک روی بعضی از مسائل از روی بلا تفرمی معین برای افشاگری یا سازماندهی و هدایت مبارزات زحمتکشان-مثل رهبری و سازماندهی مبارزات کارگران و ملیتها - باید واقعاً ونه آنگونه که بعضی از نیروها فقط در حرف- و آنهم فقط در بعضی شرایط- بدان معتبرند در دستور جدی قرار گیرد.

در پیاده نمودن تاکتیکهای وحدت عمل با نیروهای کمونیستی اولاً باید از انجام تظاهرات علیه فقط به اتکا تشکیلات خود جدا خودداری نمود. چرا که این نوع برخورد یعنی رفت به معاشریم نه با اتکا به نیروی تودهها و قرار دادن تشکیلات خود در خدمت رهبری و سازماندهی آنها ، بلکه بصرف نیروی پایه خود یک تاکتیک جدا از توده چریکی است. درست مثل تظاهرات چریکی وجود از توده ۲۳ دیماه و ۲۲ بهمن ماه (**) که سازمانها و گروههای کمونیستی تظاهرات نمودند ونه آنکه این تشکیلات که عناصر آن از پیشوورترين عناصر طبقه هستند در خدمت رهبری و سازماندهی تظاهرات مردم و در پیش از آن قرار گرفته باشد. ثانیاً همانطوریکه در مقالات پیشین گفتیم میتوان پای تظاهرات موضعی و مخفی برای افشاگری رفت و لی از انجام تظاهرات علیه جز در موقع ضروری باید اجتناب نمود و جهت گیری و تاکتیک عده و اساسی باید پیشوند با زحمت کشان بخصوص کارگران در خدمت رهبری و سازماندهی مبارزات آنان باشد. اقتدار زحمتکشی که هر روز به جهت قشری از آنان از ذور و ستم سیاسی و فشار پیش از حد اقتصادی رزیم دست به تظاهرات و تحصن و راهنمایی میزند.

قابل توجه است که مخالفت با تظاهرات علیه به عنوان یک تاکتیک عمومی و یا به اتکا اعطا و هوا داران خود نباید به معنای مخالفت با تاکتیک تحریری باشد ، بلکه به معنای مخالفت با تاکتیک جدا از توده چریکی است. چرا که تاکتیک تحریری میتوانه:

الف- بصورت تظاهرات مخفی و موضعی باشد تاکتیکی که ما پیش از همه نیروها به پای طرح و اجرای آن دفتیم.

اساسی انقلاب برویم . کمونیستها اگر هزار بار بگویند که ما باید قدرت سیاسی را کسب نمائیم ولی بیایند تدوین مشی و برنامه نروند برخورداشان از سطح مسائل فراتر نرفته است این معنی باید با تمام وجودمان و اندیشه مان عجین شود و گرنه فرض کنیم ما همین امروز قدرت را کسب کرده باشیم ، چهار میخواهیم بکنیم ؟ متناسبانه نشایرات هیچ جریان کمونیستی تا با امروز یک بحث مشخص اقتصادی - اجتماعی در هیچ زمینه ای بینان نکشیده اند و این زنگ خطر است.

ج : تصفیه حساب با فلسفه های انحرافی قدیمی خودمان و انواع دیگر فلسفه های بورژواشی و بطورد شخص مسئله مذهب.

۳ - وظایف عملی : امروز تدوین برنامهای برای طبقه کارگر و سبی جهت گیری بسوی طبقه و پیمک آزمایش نهادن همان برنامه بصورت وظایف مشخص و کنکرت و نیاز حیاتی جنبش کمونیستی درآمده است زیرا اگر تا همین چهارماه پیش کسی جرأت نفس کشیدن در کارخانه ها را بدليل شروع جنگ و تبلیغات شونیستی رؤیم نداشت اما امروز کارگران بآن درجه از رشد رسیده اند که در بعضی از کارخانه ها اعتراضات علمی و آشکار اسارت رشد سریع اعتلای سیاسی و فشار شدید اقتصادی در کارخانه ها طبیعی میباشد ، به رعشه براندام این جمهوری میانند از این پیشو از این غول برویم . هم با برنامه یعنی کار فکری و هم با جهت گیری عملی و شکنیست در کنار این وظیفه اساسی در مقابل پرولتاریاکمو- نیستها باید از همین زاویه دید با سایر زحمتکشان نیز در آمدیزند.

۴ - وظایف تشکیلاتی : قبل از آنکه بذکر وظایف سازمانی جنبش کمونیستی در این شرایط خطیر بپردازیم باید بگوییم که اگر چه جنبش کمونیستی از عقب ماندگی وظایف سازمانی خود نیز بطور درد- تاکی زجر میکشد ولی در عرض همین یک ماهه اخیر ضربات مهمی (ولی هنوز نمیتوان گفت ضربات مهله) در عرصه عمل بآن انحرافات عمیقی که وجود داشته و حاکم نیز بوده یعنی طرح " تشکیل قطبی سیاسی ایدئولوژیک " یا " سازمان واحد " وارد آمده است.

امروز وظیفه محوری و مرکزی کمونیستهای واقعی مبارزه ایدئولوژیک سازنده و رفیقانه روی مشی و برنامه برای تدارک ماختمان حزب کمونیست واقعی و نفی دیالکتیکی تمامی این " قطبها " و گروههای کمونیستی است و هر گونه وحدت تشکیلات در این مسیر یعنی روی مشی و برنامه ، ونه روی اصل قرار دادن امکانات و با تشکیل بزرگ و کمیت ، کمک مساختمان حزب است. اکنون تمام سازمانها ، گروهها مخالف و عناصر باید برای وصول به وحدت مبارزه ایدئولوژیک وسیع و مهمتر از آن عمیق را تدارک بینند ما خود نیز کوشش خواهیم نمود نظرات خود را روی وحدت جنبش کمونیستی و نقشه و طرح پیشبرد آن در

گرفتن آن امتیازات تعجیل کند ! واز آنجمله لایحه و - گذاری زمین است که تحت فشار جنبشها دهقانی شورای انقلاب مجبور شد بحضور مشروط و محدود و موقت آن را به تحویل برساند . ولی اگرnon بدستور شخص خصیبی و قبل از آنکه به مرحله اجرا درآید متوقف گردیده است .

باید گفت این جنگ فرصتی بود تا حقه های مزوانه وارتجاعی رژیم را تحت عنوان برنامه " کشاورزی زمان جنگ " آشکار سازد و هر گونه نگرانی و تشویش مالکان را از بین ببرد . وما برای روشنتر شدن نظرات مان نمونه هایی را ذیلا می آوریم :

دکتر بهشتی در یک مصاحبه رادیو وتلویزیونی توقف و اگذاری زمین مالکان را چنین اعلام کرد : " در شرایط کنونی (شرایط جنگ) نظر امام این است که برای اجرای " بند الف و بند ب " تلاش کامل شود و در مورد اجرای " بند ج " هم نظر ایشان این است که با توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروهایمان را فعلاً متوجه در " بند الف و بند ب " از این طرح بکنیم ."

(جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۴)

بعبارت دیگر از آنجاییکه " بند ج " لفو مالکیت زمینداران بزرگ و تقسیم زمینهای کشاورزی در بین دهقانان است . میباشد در شرایط کنونی که شرایط جنگ است متوقف شود ! وابن توقف دیری نباشد وسر - انجام بطور رسمی از سوی " فقهای شورای نگهبان " (بهتر است بگوییم مجلس سنای شاه) آئین نامه اجرای قانون لفو مالکیت اراضی رد شد ! در این رابطه اطلاعیه فقهای شورای نگهبان در روزنامه میزان ۱۵ بهمن ۵۹ چنین آمده است :

" با توجه به اصل چهار قانون اساسی و آئین نامه اجرایی قانون لفو مالکیت اراضی شهری در جلسه رسمی فقهای شورای نگهبان مطرح واز لحاظ انتظام با موازین شرعی مورد بحث و بررسی قرار گرفت وبا توجه به تعریف آئین نامه مذکور که شامل اراضی با پر مسیو به احیا مثل اراضی زراعی و با غایب نیز میشود ودر بعضی موارد نیز استثنای شده که قبودی در آئین نامه اخذ شده غیرشرعی بنظر میرسد و خلاف قانون اساسی وغیرقابل اجرا تشخیص داده شد . "

و در ادامه آمده است :

" در مورد اموالی که ثابت شود از طریق غیر مشروع مثل اختلاس وربا و عدم پرداخت وجه شرعی فراهم شده است باید طبق مکمله اسلامی و قانون اساسی عمل شود . "

یعنی طبق همان قانون اساسی که استعمار و مالکیت را مشروع والهی میشمرد . مشاهده میکنیم که " فقهاء " و " قانون گزاران " جمهوری اسلامی برای تطهیر مالکیت وزمینخواری چگونه کوشش میکنند . چه وراست زدنهای هیات حاکمه در زمینه و اگذاری اراضی زمینداران وسر - انجام بازیس گرفتن آن یعنی لفو و اگذاری اراضی زمینداران دقیقاً نشانده آنست که رژیم تنها تحت فشار از پایین (جنبشی انقلابی دهقانان) ناگزیر گشته بود که امتیازاتی آنهم فقط در کاغذ وته در عمل

ب - تاکتیک تصریضی در وله اول باید در خدمت رهبری مبارزات افسار زحمتکشان و برآورده مجموعه عوا - مل و پارامترهایی باشد که فقط در موارد بسیار استثنایی و نادر امکان ایجاد تظاهرات علیه توده ای را به رهبری ما و قرار گرفتن ما در پیش پیش مفوف زحمتکشان میدهد .

اتفاقاً حرکت در راستای این محظوظ ، پیش از حرکت در جهت پیوند با توده ها و سازماندهی و رهبری مبارزات آنها ، خود بما کمک مینماید که با ارزیابی از پتانسیل و نیروی توده ها ، دقیقاً تعیین نماییم چه مواقعي میتوانیم اعلام تظاهرات علیه و آشکارسازی شیم وهم موجب میگردد که تاکتیک های سازمانها و گروه های م - ل از شکل چریکی خود خارج شده و در خدمت رهبری و سازماندهی مبارزات توده های زحمتکش قرار گیرند .

←

(۲) در شماره های آینده نظرات خود را در مورد تظاهرات ۲۲ بهمن ماه نیز ارائه خواهیم داد .

ب - بقیه از صفحه ۱

- بی به حقوق دمکراتیک خود را میدیدند و انتظار روز بهتری را میکشیدند .

۲ - شدت بحرانهای اقتصادی ، خانه خرابی بیشتری برای روستائیان فراهم نموده و فقر و فلاکت بیشتری را گردانید و نگیرشان میساخت .

موجب شد که روستائیان با اقدامات انقلابیان زمینهای تحت تصرف زمینداران بزرگ را مادره نمایند نمونه های تهاجم انقلابی زحمتکشان روستاهای کردستان ترکمن صحرا ، فارس و ... بیشترین نشانه های این خیزشها است .

اما رژیم جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت و خلقت طبقاتی اش در همان روزهای آغاز حیات خود در سرکوبی جنبش انقلابی و پا به عالم نمودن حقوق دمکراتیک توده ها از هیچ کوشش فروگذار نمیگرد . بسیار طبیعی بود که هر چه زودتر در سرکوب این زحمت کشان و بیرون اندادن اینان از زمینهای و بازگرداندن املاک به زمینداران دست به اقداماتی بزند و دست به اقداماتی نظیر مسلح نمودن فئودالهای کردستان سرکوب فاشیستی دهقانان کرد ، و ترکمن وغیره نیز د ولی سطح بالای جنبش توده ای مانع از این میگردید که جمهوری اسلامی در این اقدامات خائن خود موفق باشد .

با وقوع جنگ ایران و عراق و ادامه آن که به تعمیق هرچه بیشتر بحران اقتصادی - اجتماعی انجامید و ماهیت ارجاعی جنبش توده ای هیئت حاکمه را بیش از بیش عربیان ساخت ، رژیم که در بعضی زمینه هایی که ذکر آن رفت و تحت فشار انقلابی توده ها و اداره عقب نشینی و دادن امتیازاتی گردیده بود ، اینکه با بیرون گیری از شرایط جنگی قصد آنرا دارد که در باز پس

راه حل مدنی فاشیست این عامل سرکوب فاشیستی و خوشنین خلق عرب چیست؟
مدنی از جنبهای حزب جمهوری اسلامی بسیار میگوید از چاول و غارت اینان نیز سخن بسیار دارد ولی گمان میگیرد که خود مخالفت با آن دارد. مدنی بدنبال نظم فاشیستی بخشیدن براین سرکوب است مدنی در واقع هرج و مرج در سرکوب را که دامنگیربخشی از قدرت حاکمه گشته است، بطوریکه حتی منجر به "جلو - وطن" اینان نیز شده نمیباشد. او میگوید: "مكتب که تنها تخریب نیست و خطی که فقط در سوی ویرانگری گایم برنمیدارد، مكتب که تنها خشم و غضب نیست و خطی که فقط به ستبره جویی و دزم گری نمیگازد مکتب که تنها انتقام نیست و خطی که فقط به کینه توزی نمیباشد. مكتب که تنها کشن نیست و خطی که فقط به کشتار نمیپردازد. مكتب که تنها دفع ورد نیست و خطی که فقط دور نمیگند واز خود نمیراند. مكتب که تنها در دور نجاست و خطی که فقط در دمندی ورنجوری را نمی آفریند."

(ناکید از ماست)

آری مدنی مخالف ویرانگری، کشن، کشتار مودم، در دور نج و فقر و فلاکت برای توده ها نیست و اصولاً آنها را رد نمیگند ولی بقول خودش فقط این کافی نیست چرا که "مكتب از انسان پدید آورش حیات میگیرد و نشات میبزید" انسانی که هرچه که بیشتر جمع اضداد باشد، والاتر است ویرتر" و بعارات دیگر کشتار زحمتکشان آری ولی خشم بر جناح دیگر هیئت حاکمه هرگز! در دور نج و فلاکت و ویرانگری برای توده ها آری ولی طرد و راندن جناح دیگر هیئت حاکمه مدخلنی هرگز!.....

در واقع مدنی بدنبال "حد و حصری" برای "شهوت آدم کشی و جنون تخریب و دامنه حرص و آز این جماعت - منظور حزب جمهوری اسلامی است. تا دامن اینان را نگیرد! و مهمتر از آن اینکه از آنجاییکه این سر - کوب پرهج و مرج و بدون برنامه ناگزیرمانع از تمرکز ضدانقلاب ونتیجتا خیزش توده ها میگردد و ملتی که کار دبه استخوانش برسد" سرانجام "راهنما پیدا خواهد کرد. به همانگونه که تاکنون پیدانموده است و تاریخ گذشته وحالش بیانگر چنان احوال است" آری مدنی جlad با تمام شم طبقاتیش را بجهه انقلاب را استشمام میگند بهمین دلیل برآشته شده است. باید جنبد و گر نه قیام دیگری سرنوشت جمهوری اسلامی را نیز روش خواهد کرد همچنان که سرنوشت رژیم مزدور پهلوی را روش کرد و بنابراین سرکوب را نیز باید بر طبق اصول کرد. سرکوب باید متوجه علیه انقلاب باشد تا سرانجام به قول مدنی به "امنیت قضايسی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت کایه و با منفی زندگی و حکومت قانون مردمی نائل آید".

آنچه مدنی دخالتی احتیاطی اگر مزورده به آن حکومت قانون مردمی - کدام مردم آیا منظور از مردم جناپنکارا نی چون مدنی هستند؟ - بنهدرواقع برقراری حکومت فاشیستی، امنیت فاشیستی، امنیت

به زارعین بدهد وهمه این عقب نشینیها موقعی بسوی واصلان نمیتواند در حلقه آن رشته پیوندی را که تک تک عملکردهای این رژیم را بهم متصل کرده و ناشی از ما هیبت طبقاتی آنست، قرار گیرد.

این امر مانند روز روشن است ولی رویزیونیست - های خائن توده ای کوشش دارند چنین عقب نشینیها بسی را ناشی از ما هیبت "انقلابی" و "خدا مهریا لیستی" رژیم جمهوری اسلامی قلمداد کنند. و با دامن زدن به توهم توده ها در مقابل سیر و پرش انقلاب سدی ایجاد نمایند،

در این خصوص نیز روزنامه مردم اقدام به آوردن یک سری از نقل قولهای "فقهای خلقی" جمهوری اسلامی زده است که گویا کوشش میگنند مالکیتها را محدود کنند و براین واقعیت که اینان خود به مثابه نمایندگان سرمایه داری وابسته به سوری در هم - دستی با فقهای جمهوری اسلامی بمنابه حافظین سیستم سرمایه داری وابسته ایران اتخاذ طبقاتی داشته و هردو تا پای جان برای حفظ مناسبات متکی بر مالکیت خصوصی سیزه میگنند. سپوش بگذارند. و با هزاردوز و کلک سعی مینمایند عقب نشینیها ای اجباری رژیم جلد حاکم را عملکرد انقلابی آن بشمار آورند. زهی وقت - حت و بی شرمی که فاشیستهای قدرت طلب توده ای سی در لباس اسلامی پوشاندن بقوانین سرمایه داری داشته و برای حفظ این سیستم کوشش دارند که توده های نمیدارند را با لباس شرعی پوشاندن به قانون مالکیت مجاب و راضی نگهداشند.

بقيه از صفحه ۱

مدنی این مزدور امپریا لیسم هم به چاره جوشی پرداخته و همچون فاشیستهای هیتلری برای "پیشوای خود نامهای نگاشته است. در نگاه اول به نامه موبادی سطعی بدان چنین مینماید که گویا مدنی جناحی از هیئت حاکمه (جناح حزبیون) را هدف حمله خود قرار داده است ولی بررسی موشکانه و عمیقتر نامه مذکور واقعیت آن را دقیقاً هویدا میگند. مدنی در پی حفظ منافع بورژوازی حاکم و امپریا لیسم جهانی است و تنها رسالت سرکوب انقلاب! و این امر آنچنان مهم و حیاتی است که ناگزیر از اعلام "اتمام حجت" است چرا که "خطر جدی" است و باید بدان حدی برخورد کرد.

چرا که بقول مدنی در خطاب به خمینی: "بنایی را که خودتان برافراشتید و به همین جناح عالی شکل وزیور گرفت، اینک بدبست خوبیش اسباب فروریختنش را فراهم فرموده اید"

و آن فروریختنی که مدنی هلت آنرا چنین تصویر میگند "عوازل بسی امیه آنچنان عرضه را به ملت امپریا شنک گرفته اند که صریح هدفها در انتظای اینچنین، بلکه از اسلامی اینچنین بیزا رشده اند آری مدنی خطرا بدرستی تشخیص میدهد و شدت آنرا نیز همچنین! و بنابراین در پی نجات طبقه حاکم از دره سقوط و نابودی است.



بقیه از صفحه ۱

مشخص سازمان مجاهدین ، در مسیر سازش با فدائیانقلاب حاکم در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است و بدین جهت میباشد با دقت بیشتری بدان برخورد شود .

نژدیک به دو سال است که چندی ملی - طبقاتی خلق کرد با حد هرچه بیشتر تداوم داشته است . دو سال مبارزه انقلابی زحمتکشان خلق کرد و با توجه به سیزده نشیب و فراز این چندی منجر به مشخص تر شدن مفهوم انقلاب و فدائیانقلاب در آنجا گشته است . اگر تا چندی پیش بسیاری از زحمتکشان خلق کرد ، ناگاهانه و تنها با خواستی انقلابی در صفو حزب دمکرات کردستان که اساساً با منی خد انقلابی نمایندگی بورژوازی کرد را مینمود قرار میگرفتند و به تبعیت از آن میپرداختند ، در طی دو سال مبارزه طبقاتی ، دو سال تجربه انقلابی و درگ عمیقتر از مسائل انقلاب ، امروز در وسعتی قابل توجه از این حزب فدائیانقلابی روی برداشتند و به مفو ف جریانات دمکرات انقلابی و انقلابی کمونیستی و بولیویزه به مفهوم کومه له روی میآورند . اگر در گذشته چهره حزب دمکرات کردستان بسیاری جریانات متزلزلی چون سازمان مجاهدین شناخته شده نبود ، امروز پس از دو سال تجربه وینعا یش گذاردن سیاستهای اساساً خدائیانقلابی و سازشکارانه اش با قدرت حاکم و در چهره ای عربانتر نمایش عمیق خیانتهای آن در همکاری آشکار آن با رژیم فاشیستی بعثت عراق در جریان جنگ اخیر ماهیت اساساً خدائیانقلابی این حزب را کاملاً عربان نموده است . ولی آیا باز هم جریاناتی متزلزل و سازشکار چون سازمان مجاهدین توانسته اند از اینهمه تجربه و واقعیتهای عربان در سهیان بنفع انقلاب بگیرند ؟ واقعیت سنتگیسوی مشخص مجاهدین و نژدیکی آشکارش با حزب دمکرات درست عکس آنرا بما نشان میدهد .

مجاهدین آنچه را که انجام میدهند در لوا پوشش " دفاع از خلق کرد " انجام میدهند ولی در دفاع از منافع کدامیں سو ؟ از منافع انقلاب یا از منافع ضد - انقلاب ؟

همه میدانیم که امروز در کردستان نه صفا یک مبارزه ملی بلکه مقدم بر آن یک مبارزه طبقاتی جریان دارد . مبارزه دهقانان تهییدست و زحمتکش کردستان و مبارزات کارگران کرد ما مقدم بر آنکه مبارزه ای جهت کسب حقوق ملی خلق کرد باشد ، مبارزه ایست در جهت تا مین اساسیترین خواستهای طبقاتی خودشان در مقابله بورژوازی کرد نیز اگر در مبارزات ملی خلق کرد شرکت میکند . نه از جهت تا مین منافع استشارگرانه خوبیش فقط و فقط بدليل تا مین منافع استشارگرانه خوبیش

کاری و زندگی برای سرمایه داران ، امنیت قضا ای ای برای کلیه ضدائیانقلابیون و عوامل سرپرده امپریالیسم امنیت سیاسی جهت نیروهای ضدائیانقلاب است و بس ! چرا که مدنی در تمامی زندگی نگهشش شان داده است که تا چه حد علیه توده های انقلابی کینه توزانه خصمانه و در نهایت درجه جنایتکارانه برخورد مینماید .

کشتار کمونیستها و دمکراتهای انقلابی همواره شعار اساسی مدنی جلال بوده است و آنرا حق که در حد توان خود انجام داده است . کشتار زحمتکشان ، کارگران انقلابی همواره هدف مدنی مژهور بوده است و براستی هم از آن کوتاهی و دریغ نورزیده : ولی چه کسی آنقدر قادر است چنین امنیت فاشیستی که همان امنیت دوران شاه جلال است را در ایران تامین ننماید . کسانی که بقول مدنی " آگاه ، کارداران ، قاطع و مومن باشند " به عبارت دیگر کسانی چون مدنی ، آگاه به منافع خدائیانقلاب و امپریالیسم ، کارداران و متخصص در برخانمه - ریزی و پیشبرد آن جهت تحقق این منافع ، قاطع در سر - کوب توده ها و مومن به طبقه بورژوازی !

البته مدنی با توجه به با قیمانده توهم توده ها نسبت به خمینی در عین اینکه خمینی را نیز در مسائل پادشاه سهیم دانسته و میگوید :

" بهر حال ، خواه بر چکونگی ها آگاه باشید و خواه بدانگونه که باید آگاه نباشید ، چون رهبری ملت با شما میباشد ، مسئولیت نیز به جنابعالی محول است و برآنچه که میگذرد نزد خدا و ملت پاسخگو خواهد بود ."

ولی باز هم بدنبال آنست که با کشاندن خمینی به دفاع از جناح " لیبرالها " (جناح خودی) موضع این جناح را در حاکمیت مستحکمتر گرداند . و بدین دلیل خطاب به خمینی میگوید :

" حالا بباید وتا نیم فرصتی باقی میباشد چنان عاقبت بخیری را برای خودتان فراهم فرمایید ."

و بدین دلیل جهت راه حل " دست برداشتن " از حزبیون - " شما را بخدا از چنین مردمی دست بردارید " - وبار دیگر بسوی کسانی چون مدنی که " آغاز انقلاب ، با چنان جمعی میبودید " بازگردید !

آری جناح " لیبرالها " جهت تحکیم موقعیت رژیم جمهوری اسلامی در تکاپو هستند . در جهت سرکوب انقلاب ، کوشش میکنند ، موقعیت برتر خود را در قدرت حاکمه بوجود آورده و تثبیت کنند . ولی آیا امواج سرکش انقلاب مجال چنین امری را به بورژوازی حاکم خواهد داد ؟

* * * * * توضیح : تمام نقل قولهای داخل گیوه از نامه پذیر اتخاذ شده است .

پرچم مبارزه ایدنولوژیک را بر افزائش ترویجیم !

انقلابی تحت عنوان چپ رو که دقیقاً مرزبندی آنرا با مشی انقلابی و دورشدن از پرولتاریا نمایان می‌سازد بلکه امروز بخصوص چنین مصحابه‌ای تنها میتواند با ری رساندن به تشکیل و تحکیم بلوک ضدانقلابی به رهبری "بنی صدرها" معنی دهد. مجاہدین در تمامی مصاحبه خود با اراده سوالاتی جهت‌دار کوشش کرده‌اند تا آب تطهیر بر روی حزب دمکرات برسانند. که گویا حزب دمکرات مخالف رژیم بعثت عراق است، که گویا از منافع زحمت‌کشان خلق کرده‌اند. این مصاحبه در استای تمامی ملاقات‌های رهبران حزب دمکرات و "لیبرالها" ری حاکم می‌باشد. ملاقاتی که بر مبنای پذیرش طرح شش ماده‌ای حزب دمکرات و سازش با رژیم حاکم و فرونهادن اسلحه و مفآرایی در مقابل انقلاب می‌باشد. درست بر این مبنای سازمان مجاہدین خلق در مواجهه‌اش از حزب دمکرات قول سازش و فرونهادن اسلحه را می‌گیرد مجاہدین خلق هر چقدر هم بخواهند کوشش‌های خود را "دفاع از خلق" کرد "قلمداد کنند، در این وا قعیت تغییری نمیدهند که در واقع به دفاع از ضدانقلاب و نه انقلاب برخاسته‌اند! تمامی این کوشش‌های مجاہدین تقویت صفوی ضدانقلاب در مقابل جنبش انقلابی رحمنکشان ایران و در اینجا رحمنکشان کردستان است.

نیک میدانیم که مجاہدین معتبرن ما خواهند گشت که نیت شان خیر و ایجاد ملح و مصالحة جهت جلوگیری از کشتار بوده است و... اگر مجاہدین سرکوب انقلاب را تنها در شکل نظامی آن در نظر می‌گیرند ما سازش با ضدانقلاب و شکست جنبش از طریق کشاندن آن به مسلح معاشرات با بورژوازی ضدانقلاب را نیز سرکوب میدانیم اگر مجاہدین علیرغم تمامی های و هوی و همی خود که ما نسل آتش و خون هستیم و... خود را انقلابی نشان می‌دهند ولی در واقع با نفع ضرورت بکار بردن قهرانقلابی در مقابل قهر ضدانقلابی قدرت حاکمه مشی رفر - می‌ستی رادر مقابل می‌شنند و از این نظر از کشتار می‌هراسند. ما صریحاً اعلام میداریم جز بکار بردن قهر انقلابی در مقابل قهر ضدانقلابی ضد خلق راهی برای پیروزی انقلاب متوجه نیست. خلق‌های انقلابی از کشتار نمی‌پرسند و مهتر از آن با درک ماهیت ضدانقلابی بورژوازی حاکم میدانند که این بورژوازی در مقابل رند انقلاب ناگزیر از کشتار است و هرگز نباید با شرس از کشتار از مبارزه عقب نشست و بازهم اگر مجاہدین راه پایان بخشیدن به کشتار را بزعم خود در مصالحة و سازش با ضدانقلاب می‌بینند. عمیقاً برای اعتماد هستیم که تنها راه پایان بخشیدن به کشتار، پیشبرد انقلاب و پیروزی انقلاب است و سازش و معاشرات با ضدانقلاب تنها به تداوم کشتار، غارتگری، استثمار و سرکوب می‌انجامد..

ما بمجاہدین خلق هشدار میدهیم راهی را که در آن گام می‌شنند راهی است که اگر چه امروز با تزلیز لات، معاشرات و گرایشات بسیار عمیق و تزايد باشند شما نسبت به بورژوازی شخص می‌شووه ایچ برتکاهی است که انتها آن فقط منجلاب خیانت به خلق است

است و درست بهمین دلیل است که در مقابل رحمنکشان زمانیکه اراده می‌کنند نه در زیر پرچم بورژوازی، بلکه در زیر پرچم انقلابی و سرخ پرولتاریا راه نبرد ناریخ سازشان را به پیش بینندگی و سرخ پرولتاریا راه سازش با هیئت حاکمه ضد خلق و دیگر رژیمهای ارتقا عی و ضد خلق منطقه داده و بر علیه رحمنکشان توطئه می‌کنند و سرکوب می‌کنند و... چرا که منافعشان در اساس با منافع بورژوازی حاکم و نه با رحمنکشان کرد پیوند خورده است. حزب دمکرات به مثابه نماینده بورژوازی ضدانقلابی کرد دقیقاً از این قوانین گریزنای پذیره می‌باشد طبقاتی تبعیت می‌کنند و در شرایط کنونی تا بدآنجایی پیش رفته است که حتی بر روی رزمندگان انقلابی خلق کرد اسلحه می‌کشد و تهدیدشان می‌کند و... و از سوی دیگر همچون همیشه بسوی مذاکره با رژیم حاکم و حتی همکاری با رژیم بعثت عراق مشتافتند. این امری ویژه در شرایط حدت یا بسیاره طبقاتی و بحران سیاسی در جامعه مان وبخصوص در شرایطی که جناحهای مختلف بورژوازی حاکم در مقابل با رشد انقلاب وجهت سرکوب آن و نیز در جهت تامین سرکردگی خود در قدرت حاکمه، کوشش می‌کنند هر یک بلوکی فشرده از شیوهای ضدانقلاب و متزلزل و سازشکار تشکیل دهنده حاشیه همیست بسیاریست. از سوی رهبری "لیبرالها" و در صدر آنها "دفتر هماهنگی رئیس جمهور" به رهبری بنی - صدر کوشش در ایجاد بلوک فشرده‌ای مشکل از "لیبرالها" ، "رنجبهیها" و مجاہدین و... می‌کنند و از سوی دیگر بلوکی مشکل از جریاناتی چون حزب جمهوری و مجاہدین انقلاب اسلامی، توده‌ایها و فدائیهای روسی و امت و... است! هردوی این بلوکها مرغ فنطراز نیروهای شرکت کننده در آن حتی اگر نیتهاي خبری هم داشته باشد (؟) از آنجاییکه اساساً تحت رهبری شیوهای ضدانقلابی است، ما هیئت اساساً ضدانقلابی داشته و هدف آن در اساس سرکوب انقلاب است! و این امر که مجاہدین قادر به درک این واقعیت هستند با خیر، کوچکترین تغییری در ما هیئت پدیده نداده و کوچکترین توجیهی برای مجاہدین جهت تبریزه خود نمی‌باشد.

مجاہدین که قادر به درک از چگونگی رشد تفاهه و در این میان مشخص شمودن تفاهه انقلاب و ضدانقلاب نمی‌شوند با عمدۀ کردن تفاهه درون ضدانقلاب (اگرچه آنرا در اساس ضدانقلاب نمیدانند) و بدلیل مشی عمیقاً متزلزل و سازشکارانه حاکم بر سازمان که قبل از بطور مشخص به توضیح آن برداخته‌ایم، در این صفتندی هرچه بیشتر بسوی جناح "لیبرالها" ی در قدرت کشیده شده و به نوبه خود به تحکیم بلوک کنونی پاری می‌رسانند. و مصاحبه کنونی وهم رایی سازمان مجاہدین با حزب دمکرات دقیقاً در همین راست است که از اهمیت ویژه این سرخوردار است. بمعارضت دیگر این مصاحبه نه سهای از نظر متزلزل همیشگی سازمان مجاہدین در قبال جنبش خلق کرد که همواره با جمله‌ایکه هردو طرف اکتساب می‌کنند (منظور رحمنکشان خلق کرد و رژیم ضد خلق حاکم) توجیه می‌گشت، نتنها از نظر هم رایی سازشکار با حزب دمکرات ضد انقلاب که ناشی از عدم مرزبندی با ضدانقلاب و گمراحتی پیوسته، و در عوق موز می‌بندیده همراه با

سینا بنامهای "ایتم" و "اتریون" و پایگاهها بسی در عربستان وارد بودست آورده . و نیز طبق قرار - دادهایی که با کنیا سومالی و عمان امضا شده اند مبین تشدید و تقویت حضور سیاسی - نظامی آمریکا در منطقه است . منابع امپریالیستی آمریکایی خودخبر داده اند که آمریکا قصد دارد در مقابل وام هنگفتی که به سومالی میدهد پایگاه نظامی "بربرا" را به دست آورد و ۱۰۰ میلیون دلار بودجه برای ساختمان آن در نظر گرفته اند . همچنین همین منابع خبر داده اند که امپریالیسم آمریکا میخواهد با صرف بودجه بسیار کلانی بمبلغ ۴۰۰ میلیون دلار در منطقه ای بنام "را رس بناس" در مصر آنجا را بمرکز و کانون اعزام و تربیت قوای نظامی خود در منطقه وسیع خلیج فارس و کشورهای کناره دریای عمان و غرب آقیانوس هند تا ساحل شرقی آفریقا و کشورهای حوزه دریای سرخ تبدیل نماید . برای درگ تشدید ساستهای نظامیگری کافیست رقم ۱۰۰ میلیون دلار و ۴۰۰ میلیون دلار را در کنار ۳۸ میلیون دلاری قرار دهیم که آمریکا چند سال قبل این مبلغ را برای تاسیسات نظامی در جزیره "دیه گو کارسیا" دونظیر گرفته بود و مدت‌های مديدة بعضی از محاذل امپریالیستی در همان آمریکا با اختصاص دادن این مبلغ مخالفت میکردند .

تلش سیاسی ایکه امپریالیسم آمریکا و بورژوازی و سایر طبقات ارتقای در منطقه از طریق کنفرانس طائف دنبال نمودند ، باستی از زاویه ایزوله کردن کشورهای مرجعی نظری سوریه که بسوی شوروی گرایش دارند و از همین کانال جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی نیز دید . زیرا هدفها ییکه این کنفرانس پیگیری نمود یکی مقابله با حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان بود و دیگری خاتمه دادن جنگ بین رژیمهای ارتقای ایران و عراق که میتواند مورد بهره برداری شودی قرار گیرد و تاکنون نیز گرفته است .

اما چرا ایران در کنفرانس طائف شرکت ننمود جمهوری اسلامی میگوید بدلیل حضور صدام در این کنفرانس در آن شرکت ننمود . اما مشخصا از آنجاشیکه حزب جمهوری مدعی صدور انقلاب اسلامی بکشورهای منطقه است و از آنجاییکه همین صدور انقلاب با وجود اتفاقی های سطحی و توالی آن که نمیتواند هم غیر از آن باشد موجب میگردد توده های زحمتکش منطقه حتی در همان شعارهای توخالی منافع طبقاتی خودشان را دنبال نمایند و نتیجتا مخاطراتی برای رژیمهای ارتقای منطقه دارد و از آنجاشیکه در جنگ بین رژیمهای ارتقای ایران و عراق این خاک ایران بود که تحت اشغال ییک کشور مرجع عربی قرار گرفته بود و از آنجاشیکه این کنفرانس ارتقای از سران کشورهای منطقه و عمدها دست نشانده ووابسته آمریکا بعمل آمده بود ، رژیم

بقیه از صفحه ۱

با یکدیگر در این منطقه کشانده است . اکنون مدت‌ها - است که خبر میرسد آمریکا یک دسته ۸۰ هزار نفری مخصوص تربیت نموده تا در موقع بسیار بحرانی با یک عمله غافلگیرانه چاههای نفت منطقه ویا هرنقطه‌ای که آماح انقلاب قرار گرفته باشد باشغال نظامی خود در آورند . بطور قطع این خبر در رابطه با استراتی و تاکتیک امپریالیستها وحیات کشورهای امپریالیستی که وجودشان در غارت منابع خام کشورهای تحت سلطه معنی پیدا میکند ، نمیتواند واقعی نباشد . در ادامه همه سیاستها و طرحهای نظامی امپریالیسم آمریکا و کشورهای امپریالیستی غرسی از یکطرف وسیال امپریالیسم شوروی ، بکمک کشورهای سرمایه‌داری بلشوک شرق از طرف دیگر منتهی با حربه "کمک - های مالی " - اقتصادی - نظامی روزیروز نفوذ خود را در منطقه گسترش میدهدند .

امپریالیسم آمریکا از طریق کنفرانس طائف تلاش را آغاز مینماید تا بلکه بتواند از یکطرف بکمک رژیمهای مرتعج و دست نشانده خودمثل پاکستان و سعودی و شیخ - نشینها و ... آتش افروخته موجود در منطقه را خاموش یا مهار کند و از طرف دیگر مانع از توسعه نفوذ سو - سیال امپریالیسم شوروی در منطقه گردند . و شک نیست که برای سهار کردن بحران اجتماعی موجود در آمریکا که باعتراف رئیس جمهور آن کشور بی نظر است . چاره دیگری جز تشدید رقابت وجود نخواهد داشت . وضعیت جنگ بین رژیمهای ایران و عراق اگر چه تا حدودی برای اصحاب رات امپریالیستی به جهت آب کردن محصولات زرادرد خانه های عظیم نظامیشان و وابسته شدن بیشتر این کشورها سود آور است اما در عین حال بدلیل قطع صدور نفت و مهمتر از آن بدلیل اثرات اوضاع آشفته ایران بر کشورهای منطقه موجب میگردد که امپریالیستهای آمریکایی احساس خطر بیشتری بکنند . بدین جهت میبینیم آمریکا با بهانه قراردادن مسئله "گروگانها" و دروازه بدلیل اوضاع بی ثبات ایران و منطقه و امکان گسترش و توسعه نفوذ شوروی از این مجرما برای اولین بار ناوار گان عظیمی مرکب از چندین ناو هواپیما بر اتمی ، ناو - شکن ، ناوچه و ... که تاکنون به ۴۴ فروند هواپیما با لغ گشته به منطقه خلیج فارس و دریای عمان کمیل می - دارد . بالطبع این حرکت سیاسی - نظامی آمریکا حرکات سویال امپریالیسم شوروی و امپریالیستهای انگلیسی و فرانسوی را دنبال داشته است . روسها مدت‌های متوجه ۲۱ ناو جنگی را با این آسما روانه کرده اند و انگلیس و فرانسه هر کجا عناصر ۱۲ فروند ناو جنگی سمعی در تثبیت حضور خود در این منطقه دارند . علاوه بر اینها امپریالیسم آمریکا میخواهد دو بایگاه هواپی در صحرای



ابتدا با پیورش به کوستان و ترکمن صرا با حاکمیت
زمتکشان به مقابله پرداخت . خلق ترکمن علیرغم نا-
پیگیری رهبری س . ج . دوبار در برابر رژیم قهر-
مانانه به مقابله پرداختند ولی با سازش رهبری خبا-
نت پیشه س . ج . رژیم توائی واقعی دهقا-
نان را درهم کوبیده و با رفوم ارضی ارتقاء عی و شورا های
فرما پیشی میبا رزانشان را برای مدتی سرکوب نماید .

به عکس رهبری خبانت پیشه سازمان چریکهای فدا -
بسی این جهارتن از رفتای سوچ و آذ رهبران و پیشان -
گذا ران شورا های دهقانی یعنی یگانه تشكیل حقیقتی
ز حمتگشا ن ترکمن صحراء بودند زندگی آنان از ابتدا
با رنج و درد مبارزه خلق ترکمن پیوند خورده بود و بد
راستی در قلب توده های دهقان جای داشتند .

شب ۱۹ بهمن حدود ساعت ۲/۵ آنها را دستگیر کرده
و به تهران منتقل می‌کنند و پس از ۱۰ روز جد آنها
بین راه گذند - بجنورد زیر پلی پیدا می‌شود .
رژیم پس از ترور آنها از وحشت و خشم توده‌ها
ادعا می‌کند که " طرفداران مسعود احمدزاده اینها
را کشته‌اند و ..."

براستی که روی شاه سفید ! ! او هم مانند شما آتش زدن سینما رکس را به گردن انتقام بیرون افکنده بود س . ج . که در آن ایام چهار نعل بسوی با تلاق رویزیونیسم میباخت ، با سازش با بنی صدر و رژیم مبارزات خلق ترکمن را به یک مناظره تلویزیونی با بنی صدر فروخت و بر روی خون این چهار تن وزحمتکشان ترکمن ضیافت صلح و آشتی با رژیم برگزار کرد . بزعم این خاشنین بنی صدری که آن زمان گفته بود " ما خانه به خانه ، سنگر به سنگر میکوییم و تازه این ۱۵ درصد قاطعیت ماست " " خرده بورژوازی " بود و میباشد با او " دوگانه " برخورد کرد از کارهای " خویش " که به نفع مردم است (معلوم نیست کدام کارها ؟) طرفداری و تحسین و تمجید و برای کارهای بدش ساكت بود این شیوه همه رویزیونیستهاست که برای حمایت از حاکمیت از این به اصطلاح شوریها میباشد . در تلویزیون کشتگر و نگهدار از بنی صدر خواهش و تمنا داشتند که " قاتلان را پیدا کنید " و این فقط برای گمراء کردن اذهان توده ها ! در حالیکه آنها میدانستند که قاتل بغل دستشان نشسته است .

این انان نهانه به بیانه "جلوگیری از درگیری" و
در واقع بخاطر سازشکاری هیچگونه مراسم پا دبودی هرای
این رفقا نگرفتند، بلکه حتی زمانه کمونیستها
راستین برای محکوم کردن کشتار انقلابیون و سرکوب خلق
ترکمن دست به راهپیمایی زدند آنرا محکوم و به نفع
آمریکا دانستند (و گرنه چه درگیری بالاتر از عملات
رژیم به خلق ترکمن و جنگ با آنان ؟)
همانکه به حق جایشان جزو کام لیسی بورژوازی و

نودری در اسناد سهیت ؟ ! ! !
بنی صدر جلاد نیز همانند اگنون که سیاست به
اصطلاح " دمکرا سی طلبی " بهبیشه کرده ، آن موقع ارمک
سو و عده پیدا کردن عاملین جناپیت رهبران ترکمن (که
خود و همپالگیهای حزبیش بودند) را میداد و از دیگر
سو دستور سرکوب خلقها را خانه بخانه و سنگر بسنگر

ایران را در اینزوا قرار میداد و مانع از شرکت آن می شد . و نه آنگونه که خود میگویند بدلیل حضور صدام حسين در آنجا شرکت نمیکنند . اگر چنین باشد پس چرا رژیم در کنفرانس کشورهای غیر متعهد شرکت مینماید در آنجا هم نمایند رژیم عراق شرکت دارد .

نتایجی که این کنفرانس و تشدید سیاستهای نظامی گری آمریکا برای خلقهای منطقه دربردارد ، اساساً به خاطر گسترش و حفظ مفوذ آمریکا و غارت هرچه افزونتر آنان و بدنبالش سرکوب شدید هرگونه حرکت انقلابی خلق است که با توجه به بحران د رونی کشورهای امپریالیستی و گسترش سیاستهای نظامی آنها احتمال دخالت نظامی آنان در کشورهای منطقه را نباید نادیده گرفت لذا خلقهای زحمتکش منطقه ضمن پیوند و اتحاد و مبارزه خود و یارانشان باید که متحداً بر علیه کشورهای ارتقا عی خود و نفوذ امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی و سیال امپریالیسم شوروی مبارزات خود را گسترش داده و اجازه به امپریالیستها ندهند تا با ایجاد پاگاه در موطن خود سایر برا درانشان هدف گلوله های امپریالیستها قرار دهند .

يادشەيدا ن خلق ترکمن

ا ز صفحه ۱ گرامی باد

روز ۲۹ بهمن سالگرد شهادت شیرمحمد در خشنندگان
توماج، عبدالحکم مختاری، طیواق
واحدی، و حسین بن جرجانی چهار تن از
رهبران خلق ترکمن است. اعدام این چهار
رفیق گوش کوچکی از جنایات بی شمار رژیم جمهوری
اسلامی است. چه بسیار فرزندان را ستین خلق قبها ن
کرد، ترکمن و بلوج و ... که به مسلح های توبوتانک
وفا ننمود رژیم ضد خلقی رفتند.

رژیم فکر میگند که با کشتار انقلابیون و سرکوب خلقها میتواند مبارزات حق طلبانه آنان را خاموش کند . زهی خیال باطل ! مبارزات خلق قهرمان ایران نه تنها با توبوتانگ و مسلسل سرکوب نمیشود بلکه هر روز فروزانتر میگردد و میرود تا کار را با سرمایه داری وابسته و رژیم حاصل بگیره کند .

بیش از ۵۰ سال است که خلق ترکمن برای نابودی
استم طبقاتی و ملی با رژیسهای ارتقا عی حاکم مبارزه کر-
ده است . در دوران رضا خان مبارزات دهستان ترکمن
بر علیه فئودالیسم به شدت سرگوپ شد . و پس از رفرم
اراضی ۴۱ که روایت سرمهایه داری دردهات ترکمن صحراء به
سرعت رشد کرد رژیم اندکی از زمینها را تقسیم کرده و
بخشهاي عظیم آنرا سرمهایه داران و وابستگان در باره های
خانها و فئودالهاي ترکمن صاحب شدند .

ترکمن صدر ا که تا سالهای ۵۶ - ۵۷ ب ظاهر
آرام به نظر میرسید ، به همراه خلقهای سراسر ایران
بیبا خاست و پس از قیام بهمن ماه اقدام به ایجاد
شوراهاي دهقانی و مصادره ا ملک و وسائل تولید سرمایه -
داران و فتوادالها کرد . رژیم ضد خلقی که حامی منافع

جمهوری اسلامی را بسما نشان دهد . این همه فقر و فلا-
کت ، دربداری ، آوارگی واز دست دادن خانه و کاشانه
۱/۵ میلیون نفر انسان واینه همها یعنی از جنگ
بقيمهت رفع خستگی خمينی وهیئت حاکمه ! اما لیبرالها
وبني صدر هم در زمانیکه در کشاکش این جنگ خانمان بر
انداز برادران و خواهران همین آوارگان جنگ را درکرد-
ستان و دیگر نقاط کشور کشدار و ترور مینمایند . و در
زمانيکه مقاصد شوم و خائنای مثل تحکیم و تثبیت
ارتضی خلقی را در همین جنگ دنبال مینمایند و در زمان
نیکه توده های نا آگاه را گوشت دم توب مینمایند تا
منافع آزمندانه بورژوازی ایران را نامیں نمایند و در
زمانيکه سیاستهای اقتصادی - اجتماعی خود بني صدر
چیزی جز بازاری سیستم و سرکوب انقلاب نمیباشد و ...
در اینصورت پرواضح است که بني صدر فقط و فقط بخاطر
منافع آزمندانه بورژوازی ایران داشت برتهمی-
ز حمتکشان و کسب همه قدرت سیاسی سنگ آوارگان جنگ را
بسینه میزند . اما دو کلمه ای هم از سیاست جناح
دیگر حکومت یعنی جناح حزب جمهوری اسلامی که اینهمه
سنگ " زهد ، تقوی ، خدا شناسی ، انسان دوستی ،
اخلاق و" را بسینه میزند بشنویم . ما در ارتباط
مستقیم و نزدیک خود با آوارگان جنگ مشاهده نمودیم .
اولاً مسئولین و اداره کنندگان آوارگان که عمدتاً
حزبیون هستند بانجاه مختلف مانع از تماس نزدیک
مردم با آوارگان جنگ میشوند . حکومت سرمایه داری
 فعلی درست مثل اسلام خود یعنی رژیم شاه مانع از ایجاد
پیوند و همبستگی بین توده های زحمتکش و عناصر آگاه
خلق و آوارگان میشوند . جمهوری اسلامی میتوسد از اینکه
توده های مردم از درد همدم یگر آگاه گردند و روحیه
همبستگی و دوستی بین مردم تقویت گردد .

در عین حال رژیم از اتخاذ این سیاست دو هدف دیگر نیز دارد . یکی اینکه میترسند مشاهده وضع درد ناک آوارگان با محض گردد پته های رژیم در مورد آوارگان روی آب بیمیفتند و مردم خود بما هیبت دروغپردازی های آنان در مورد آوارگان واقع گردند . و دوم اینکه کمک های نقدی و جنسی مردم را بدست خود با آوارگان میدهد تا بدین وسیله یک رابطه عاطفی و مشغول ذمگی بین آوارگان و خود بوجود آورد . ثانیاً وقتی آوارگان جنگ تا حدودی بما هیبت سیاست خائن رژیم در همین جنگ نیز آگاهی یافتند و رژیم تا حدودی احساس نمود که آوارگان در مقابله با قراردادند . آنها را بجان هم انداخت . رژیم جمهوری اسلامی این مظهر خیانت و انحطاط اخلاقی بکمک پسران و دختران پاسدار خود دست به حربه کشی فی در مقابل مردم زد . آنها برای اینکه آوارگان را بجان هم بیندازند و خودشان نقش میانجی وریش سفید خیرخواه را بعده گیرند ، چنین وانمودند که مابحتجاج مودناز

اکنون پس از بیکمال که از وقایع ترکمن صحرا
وکشدار این چهار تن میگذرد مبارزه خلقهای سراسر
میهنما روبه اعتلاست س. ج. اکثریت که اکنون
"افتخار" نوکری مستقیم بورژوازی را بدست آورده به
همراه توده‌ایها به هر این افتاده و سراسری به خشک
پاشیدن در چشم توده‌ها و رو در روی با نیروهای انقلاب
بی میردا زند. بنی صدر با استفاده از نارضایتی
مردم و سیاستهای سازشکارانه و دنیاگرد روانه مجاہد
بین میخواهند رهبری جنبش توده‌ای را گرفته و آنرا به
بیرا میکنند. کشدار هزاران از این جانبازان خلق
- با واسطگی فدا بیان اکثریت و سایر پا بوسان رژیم -
در نهاد نسبتواند خلیلی در مبارزه حق طلبان
خلقها بوجود آورد و ما شاهد مبارزه مسلحانه و غیر
مسلحانه اخیر خلق ترکمن با رژیم میباشیم.

آری این چهار رفیق شهید شدند و شهادت آنها
تنها عزم انقلابیون را برای مبارزه قویتر کرد همان
طور که ارتجاع و حشت زده از بسیاری خلق، خون شهراهمها
کاک فوادها، ناھیدها و ... را بزرگمیں ریخت ولی
تنها درخت آزادی را سرسیز تر و با رورتر کرد. رژیم
خد خلفی فراموش کرده است که امروز با کشتا را انقلابیون
و خلقها باد میکارد و فردا در تداوم مبارزات آنان
طوفان در و خواهد کرد.

خلاق درومندیج فیلر خلاق

ا خیرا آقای بنی صدر گفته است که حزبیون حتی در کمک
با ارگان جنگ زده منافع سیاسی جناح خود را مدنظر
قرار میدهند و بدین جهت اگر آوارگان جنگ زده طرفدار
من باشند از کمک به آنان مفایقه بعمل می‌آید . همه
مردم آگاه لافل از دورا دور هم که شده باشد از وضع
در بندی ، بسی خانمانی ، بسی غذایی و بسی پوشاشکی همه
آوارگان جنگ واژ هم پاشیدن شیرازه خانوادگی سیاری
از آنان با اطلاع هستند . اگر چه بقول یکی از رفقاء
گزارشگر ماباید وضع آوارگان را دید تا بتوان بعمق
فلات آنها پی برد ولی بمقدار العاقل فی الاشاره نیز
میتوان بمحض فاجعه دست بافت . اتفاقاً نحوه برخورد
بهمیں جمعیت عظیم آوارگان جنگ خود یکی از معیار
های سهم ارزیابی از جناحهای هشت حاکمه است . همان
طور که همه بخار طرداریم خمینی در سخنرانی معروفش
در هفته اول جنگ ، وقوع جنگ را از جمله " بدیلیل
رفع خستگی " و " رفع سستی " و " خیر " میدانست . همین
یک جمله کاف نیست تا ما هیئت ضد مردمی بنیانگذار

جینگ، قیحصان جمیعوری اسلامی

آنچه ذیلا می آید تنها گزارش یک نمونه از چنین
تروعها بی است . ولی تروعیسم محکوم است و رژیم تروع-
بیست محکوم به نابودی !

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲ (روز چهار شنبه) ساعت
۱۲ و پنج دقیقه ، هنگام تعطیل شدن مدارس در خرم -
آباد ، یکی از دانش آموزان انقلابی
را بنسام بهرام کردستانی که از
هوا را فعال مجا هدین بوده و قبل امور د تهدید و شنا-
سایی قرار گرفته بود . در پشت دبیرستان شریعتی
مورد حمله افراد مزدود دژیم قرار گرفته که مزدوران
میخواهند را به داخل ماشین بکشند و داش آموزان
انقلابی مقاومت میکنند و پس از پرتاب خود را خارج
ماشین بخواهی ، با کلت کالیبر ۴۵ به سفر وران و سینه
او شلیک میکنند . وجای توجه است همان موقع ترور
یکی دیگر از ماشینهای پاسداران در آنجا حاضر وجود
نمیم و جانش را در داخل ماشین میگذارد و با خود می -
برند به گفته شاهدان عینی که در مکان حادثه بودند
اگر زودتر به بیمارستان رسانده میشد احتمال نجات
وی از مرگ موجود بود و گفته میشود که در بین راه وی
را با طناب خفه کرده اند .

صبح روز ۱۱/۳/۵۹ ساعت ۱۰ صبح جمعیت عظیمی
به عنوان اعتراف به این عمل فاشیستی در جلوی بیمار-
ستان دکتر اعظمی لرستان گرد می‌ایند تا با تشییع
جنازه ، نفترت و انسنجر خود را از رژیم فدیده‌ی
جمهوری اسلامی ابراز دارند هنگام اجتماع در جلوی
بیمارستان پاسداران با سلاح کمری و با لباس مبدل
در جلوی بیمارستان تجمع کرده بودند تا شاید بتوانند
در امر تظاهرات اخلاق ایجاد نمایند . غافل از اینکه
هر جا سیل خروشان توده‌های خشناک بحرکت درآمد
است، رژیم با تمام نیروهای خود تاب مقاومت را ندارد
جمعیتی که حدود ۴ الی ۵ هزار نفر بودند با شعارهای
"این سند جنایت ارجاع" بطرف قبرستان دست به
تظاهرات زدند شعارهای دیگر عبارت بود از "مجاهد
شهید خلق ما ، خون او مظہر پیکار ما" ، "مرگ بر
ارجاع" و ...
رویزیونیستها این نوکران و سکان پاسبان بورزوای

زی از رشد آگاهی توده‌ها بوحشت افتاده و عمال خود را به
میان تظاہرات فرستادند تا شاید بتوانند مسیر حرکت
توده‌ها را منحرف نمایند ولی هیچا ت!
در این تظاہرات علیرغم سازشکاریها مجاهدین
نیروهای انقلابی دمکرات و کمونیست توانستند تا حدودی
شارهای تظاہرات را را دیکالتر نمایند. تظاہرات با
استقبال پرشکوه توده‌های مردم روپروردیده و تا قبرستان
ادامه یافت ولی هنگام همازگشت از قبرستان مزدوران
رژیم به تظاہرات حمله کرده و با چاقو، چوب و سنگ
تعدادی را مجبوب نمایند.

تزویر داش آموزه با رز بیهرا م کردستانی چندین
تزویری است که توسط مزدوران رژیم در شهر خرم آباد
صورت میگیرد . چندی پیش نیز داش آموز دیگری بنام
مشکان اسدی سرگیا، گله های همین مزدوران سه

یک اردوی آوارگان را کمتر از حداقل مورد نیاز بطور
ناگهانی در اختیار آوارگان قرار میدهند تا آنها را
بجان یکدیگر بیاندازند . مثلایک اردوی ۵۰۰ خانوادی
حدود چهار صد عدد پتو میدهند و بدین وسیله حتی بهر
خانواری شیز یک پتو نمیرسد و چون این پتوها را یک
مرتبه در محوطه میریزند و آوارگان برای گرفتن آنها
شحوم میآورند موجب میگردد که آنها بجان هم بیافتدند
آری تمام جناحهای هیئت حاکمه هم حزب جمهوری
اسلامی وهم لیبرالها وهم رهبر هردوی آنها یعنی
حسینی مجبورند که خلق را این چنین در مقابل هم قرار
دهند . اما سرانجام این خلق بیدار خواهد شد و آنها را از
اریکه قدرت بزر خواهد کشاند و آن زمانی است که
ما هیبت تها می سیاستهای خائنانه این جمهوری و انتلاقیات
وزهد و تقوای دروغین سردمنداران آنان برملا گردد . بر
آوارگان است که دشمن اصلی خود را در هر قدم بشناسند
برآوارگان است از خود سوال کنند آیا همین اقدام
حکومتیان خود گویای دشمنی جمهوری اسلامی با آنان
نیست ؟ !

شروع رسیم در مقابل حنیش

رژیم ترور و وحشت چه میپندارد؟ که با کشدار
قتل عام، آدم ربا یی و ترور انقلابیون و مبارزین قادر
است شعله های هر دم سرکش تر جنبش توده ها را خاموش
کند؟! آیا تاریخ با همه عظمتیش به این مرتجمیین
درس نداده است؟ و یا اصولاً مرتجمیین در تداوم حیات
نشگین خود چاره ای بجز این ندارند؟

پیکسال از آدم ربابی و ترور ۴ رهبر انقلابی خلق
ترکمن میگذرد و خاطره آن علی‌رغم تمام کوششها بی که از
جانب رویزیونیستها فدائی در توجیه آن میگردد، هر-
گز از خاطر توده‌ها محونشده است. بخصوص که این
شیوه ترور و سرکوب انقلاب، با سبکیت تمام همچنان از
جانب رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی دنبال میشود
ترور انقلابیون در خرم آباد، ترور کمونیستها در تبریز
ترورهای خیابانی متعدد در تهران و سایر شهرستانها
امروز وسعت بیشتری یافته است. رژیم ضدخلقی جمهوری
اسلامی که از رشد آگاهی توده‌ها هراس دارد ورشد این
آگاهی را در جهت مرگ خویش میداند سیانه واژه وی
استعمال در حد استتا همچون تمامی مرتعین تاریخ
ترور روشنگران انقلابی که حاملین آگاهی انقلابی
بدرون توده‌ها هستند و بویژه با ترور کمونیستها مانعی
در مقابل رشد آگاهی توده‌ها و در مقابل رشد انقلاب به
وجود آورد. زندانهای رژیم جمهوری اسلامی دیگر گنجان-
ش روشنگران و توده‌های آگاه و انقلابی را ندارد، این
این باید با ترور خیابانی آنها با برقراری جمهو-
ترور و وحشت مانعی در مقابل رشد انقلاب بوجود آورد.

می و امور تربیتی (امور امنیتی) از راه رسیده و با دادن شعارها بی به اوزالبدها حمله ور شده و آنها را کردند . در این هنگام دانشآموزان مبارز جمع شده وبا شعار "عامل هر تشنخ ، انجمن نورچشمی ، نور چشمی برو گشتو" و "فعالیت سیاسی حق مسلم ماست" "مرگ برآمریکا" و ... به مقابله پرداختند و زد و خورد شدیدی بین دانشآموزان مبارز دبیرستان و فلانزها صورت گرفت و فلانزها کنک مفصلی نوشجان کردند . بعد از زنگ تفریح فلانزها شروع به راهپیمایی کردند ولی دانشآموزان مبارز به سرکلاسها رفتند و شروع افشاگری بین دانشآموزان کردند .

۱۵ بهمن

نیو

در این روز ساعت ۱۵ بار دیگر انجمن اسلامی حزبی بطور وحشیانه به دانشآموزان حمله کرد که با مقاومت دانشآموزان مواجه شد .

فلانزهای مدرسه هر روز صبح توسط یکی از مزدوران سپاه آموزش کنک زدن میبینند و حتی برخی از دانشآموزان مساعد را به سهاه جلب میکنند .

مسائل دیگری که در حاشیه مسائل یاد شده در دبیرستان البرز مثاًده میشود هم از اهمیت بسیاری برخوردار است وهم محدود به دبیرستان البرز نشده بلکه در تمامی دبیرستانها قابل بررسی است . این مسائل در واقع انعکاس مسائل عمومی سیاسی جامعه در سطح جنبش دانشآموزی میباشد .

اولین نکته قابل بررسی چنین است که اخیراً با توجه به اختلافات تزايد یا بندۀ درون جناههای حاکمیت انجمن اسلامی مدرسه نیز به دوگروه تجزیه شده است گروهی طرفدار حزب جمهوری اسلامی و گروهی دیگر طرفدار "بنی صدریها" . با توجه به ماهیت فدانقلابی و فدختقی هر دو جناح ، این جناح‌بندی که کوچکترین تفییری در ماهیت پدیده موجود نباورد است و علیرغم تفاوت‌های درونی هردو در کینه ورزی نسبت به دانشآموزان انقلابی مشترک میباشد .

نکته دیگر قابل بررسی مسئله هواداران سازمان مجا هدین است که به تبعیت ازمشی رهبری که هرچه بیشتر به بورژوازی نزدیکتر شده واز نیروهای انقلابی گریزانند و این جهت است که با بهانه‌های گوناگون و با توجیهات کوناگون حاضر به همکاری ، با نیروهای انقلابی و بوبیزه کمونیستها نمیگردند . وظیفه دانشآموزان مبارز و انقلابی است که با افتشای ما هیبت ضد خلقی و ارتقای هر دو جناح حاکمیت و بوبیزه "لبیرالها" که هنوز توهمندی بهاری از توده‌های خلق ما را نسبت به خود یدک میکشند و با افتشای مشی سازشکارانه سازمان مجا هدین خلق با بورژوازی "لبیرال" به بسیج توده‌های دانشآموز بپردازند . هواداران مجاهدین بین باید بدانند که در اتحاد دوراه بیشتر نیست ، یاد را اتحاد با بورژوازی که نتیجه اش همدستی و هم را بی در سرکوب انقلاب است و با اتحاد با انقلابیون کم نیست که نتیجه آن شرکت در انقلاب و پیشبرد آن میباشد .

شها دت رسیدند و متعاقب آن ، مزدوران بهنگام شب به خانه وی نیز با مسلسل حمله کردند . علاوه بر این چندی قبل از این وقایع نیز مسلسل چیهای رژیم تعداًدی از فعالیت‌مندان مدارس دخترانه طلمت دولتشا هی نوبتیاد ، صدیقه رضا بی را شناسایی کرد و ۱۱ تن از دانشآموزان را ربوده اند و تاکنون اطلاعی از آنان در دست نیست . خانواده‌های آنان برای گرفتن خبری از فرزندان خود به شهرهای بروجرد و همدان مراجعت کرده‌اند ولی نتیجه‌ای نگرفته‌اند .

ابنروزهادر شهر خرم آباد جو تزویر و وحشت از جانب رژیم حکومت میکند ولی آیا رژیم قادر است با چنین توطئه‌هایی شناخته شده حیات ننگین خود را ادامه دهد اگر رژیم شاه توانست پس رژیم جمهوری اسلامی قادر است !

چنپیش دانشآموزی و مسائل دبیرستانها

ورزش صحیگاهی در مدارس که ابتکار دانشآموزان انتقامی و مبارز هوادار نیروهای کمونیستی و نیز دانشآموزان هوادار مجا هدین برگزار میگردد ، محملی است دیگر جهت گسترش مبارزات دانشآموزی برعلیه رژیم منفور جمهوری اسلامی !

این ورزشها نتیجه به بسیج دانشآموزان انقلابی و مبارز یاری می‌سند ، بلکه در تبلیغ شعارهای مبارزه اتسی در بین توده‌های وسیع دانشآموزان نقش با ارزشی دارد . از این جهت است که ارتقای حاکم نیز با تماق قوا در سرکوب آن میکشد . سازماندهی فلانزها در مدارس آنهم از طرف نمایندگان سپاه بگونه‌ای که دسته های چاقوکش رسمی در مدارس بوجود بیاورند . از جمله این کوششها میباشد . گزارش زیر نمونه ای از مبارزات دانشآموزان در این خصوص میباشد .

دبیرستان البرز : ۱۴ بهمن

نیو

دانشآموزان هوادار مجا هدین از ساعت ۴۵ و ۷ دقیقه صبح شروع به ورزش صحیگاهی نمودند . برخی از دانشآموزان چپ نیز در بین آنان بودند شعارهای دانشآموزان چنین بود "دانشآموز زندانی آزاد باید کردد" ، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" ، "استبداد احتناق ، ادامه راه شاه" و ... لازم به تذکر است که برخی از این شعارها بدليل توقیف دوتن از هوا - داران مجا هدین خلق داده میشد . در خاتمه دانشآموزان با خواندن سرود "ایران زمین" به ورزش با یان دادند .

صبح ساعت ۱۵ بهنگام زنگ تفریح دانشآموزان هوا دار مجا هدین اوزالبدهای خود را بدیوار چسبانند و در این هنگام بود که فلانزهای طرفدار حزب جمهوری اسلامی



شرکت نفت ایران

دروی دخواست شماره ۵۰۲۴ مورخ ۱۳۵۹/۴/۳ شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان دا تبر تتمیل کاد روزه زد ساخته ای مولتی میشود ب بعد از ای از کارگرای و زمزد راحد هاوش رکته ای تابعه و ادامه شاف د رطیح تجهیز ساخته ای و امور اکتشافات پا بهره بود ای که مازاد بر احتیاج میباشد با تو جه بعاد ۲۲ تا نون گار و رسانی پرسنل روزه زد بالا خذ تعهد لازم منحوز ب باز خرد نمایند تا بدین میمیطه شاندن مازاد متوانند با امکاناتی بیشتر مکاره راعی و شرکتی دینه زد ب گودند البته تعهد لازم از افراد باز خرد شده ب مرتبه ای اخذ شود که پس از تسویه حساب همچنون ادعای دینه زد اشته باشند.

و زیر مشاور مسربوس شرکت ملی فولاد ایران

محمد احمدی

بخشنده ای که مشاهده میگردد یک نمونه از سیاست عمومی رایج و روزمره جمهوری اسلامی در برخورد کارگران است جمهوری اسلامی میگوید: چون در اینجا با کارگران ما زاد بر احتیاج رو برو هستیم پس آنها را اخراج کنید و در ضمن طوری اخراج کنید که هیچگونه ادعای دیگری نداشته باشند "این یک نمونه از سیاست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی " حامی مستضعفین " است. نمونه ای که در اشکال دیگر این روزه در تمامی کارخانه های ایران برعلیه کارگران اعمال میشود. امروزه موج عظیم سیاست ضد کارگری رژیم به صورت محدود کردن سود ویژه و پاداش و عیدي واخراج کارگران به بیانه های مختلف و باز خرد آنان بدون پرداخت همان میزان حقوق که برابر آثین نامه کار باید پرداخت گردد از سیاستهای ضد کارگری عمومی جمهوری اسلامی است. کارگران باید بدانند تا زمانیکه دست اتحاد آنان و روشنگران طبقه شان در هم دیگر فشرده نگردد، هرگز قادر نخواهند بود که در مقابل این سیاستهای ضد کارگری رژیم سرمایه داری حاضر مقاومت و تعریض نمایند. این از سرش همه رژیمهای سرمایه داری است که سیروی کار را بکالا تبدیل نموده و هر زمان که بخواهند در معرض خرد و فروش بگذارند جمهوری اسلامی باید بداند که اگر کارگران در کارخانه استثمار شوند بازهم بر علیه آنان مبارزه میکنند تا نظام سرمایه داری را دگر کون کرده و تنها نظام طبقاتی خود بعین سوسیالیسم را برقرار نمایند و اگر آنها را اخراج نمایند، بازهم این مبارزه ادامه دارد. همه جا و هر زمان، مبارزه برعلیه جمهوری اسلامی تا سرگوئی آن واستقرار دمکراسی کارگران و زحمتکشان این است قانون مطلق طلاق حاکم مین کارگوان و سرمایه داران!

و خونبهای شهیدان خلق کرد است احترام بگذارند و نقض دمکراسی به طریق از قبیل تعرض بحریم ازادیهای دمکراتیک و با تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی اشخاص بپر هیزند. امل آزادی همه گونه فعالیت سیاسی در کردستان باید محترم شمرده شود و از منع فعالیت سیاسی سازمانهای دیگر با اقدام به خلع سلاح آنان خودداری شود.

۵ - حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و دیگر سازمانهای سیاسی در کردستان باید اختلافات خود را از راههای سیاسی حل کنند و از هرگونه توصل به زور و برخوردهای نظامی میان خود جدا خودداری ورزند. زیرا این کار به زیان جنبش مقاومت و مصالح توده های خلق کرد بوده و تنها بنفع نیروهای سرکوبگر خواهد بود.

۶ - توده های خلق کرد حق دارند که در رابطه با هر یک از سازمانهای کردستان یا مستقل از آنان دست به تشکیل ارگانهای صنفی و توده ای بزنند. کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهری و روستایی، بازاریان، زنان، معلمان، دانش آموزان، و دانشجویان کردستان باید در کارگاههای مزرعه، مدرسه، بازار و در هر جای شهر و روستای خود بتوانند از طریق تشکیل شوراهای اتحاد دیدهای، جمعیت ها و... در امور مربوط به فرتوشت خویش فعالانه شرکت کنند.

۷ - خلق کرد و نیروهای انقلابی موظفند که فضای دمکراتیک کردستان را شکوفا نه و پر بارتر کرده و در مقابل حرکتهای ضد دمکراتیک ایستادگی کنند و از حقوق خود و دیگران و از حریم مقدس آزادی و دمکراسی کردستان دفاع نمایند...

پیاپی از صفحه ۱۷

کان جنبش مقاومت خلق کرد مستحکمتر گردد.

۸ - سازمانهای سیاسی کردستان باید جدا شدند به دمکراسی که گرانبهای ترین دستآورد جنبش

لاهیجان

| | |
|--------------|------------|
| ک. م | ۵۰۰۰ ریال |
| ک. د | ۲۲۰۰ ریال |
| <u>رشت</u> | |
| ا - خ | ۱۳۰۰ ریال |
| س - ه | ۵۰۰۰۰ ریال |
| <u>شتران</u> | |

| | |
|-----------|-------------|
| ع - خ | ۲۰۰۰ ریال |
| ک - ک | ۲۵۰۰ ریال |
| م - م | ۴۰۰۰ ریال |
| ح - ح | ۱۵۰۰ ریال |
| ع - ۲۶ | ۵۰۰۰ ریال |
| ش - ۴۵ | ۱۰۰۰۰ ریال |
| ۲۵ - ۵ | ۸۰۰۰ ریال |
| ۱۲ - م | ۱۰۰۰ ریال |
| ۱۸ - د | ۱۰۰۰ ریال |
| ت - ۱۲ | ۸۰۰۰ ریال |
| د - ۲۲ | ۲۰۰۰ ریال |
| خ - ۲۱ | ۳۰۰۰ ریال |
| ذ - ۱۹ | ۴۰۰۰ ریال |
| ط - ۵۸ | ۵۰۰۰ ریال |
| ۳۰۰۰ ریال | ۳۴۰۰۰ ریال |
| ریال | ۱۶۰۰۰۰ ریال |
| رفیق | ۲۰۰۰۰ ریال |
| کمکت رسید | ۱۶۰۰۰۰ ریال |

جلادان رژیم با ارتکاب این
جنایات میخواهند مردم را از مقاومت
و موت و مبارزه انقلابی برعلیه خود
باز دارند . زهی خیال باطل !
هر گلوله آنها که سینه زحمتکشان
کرد را میشکافد در دل هزاران زحمتکشان
کش این خلق روزمنده در بیان از خشم
و کینه جاری میسازد که سرانجام
با اوجگیری مبارزات سراسری
خلقهای ایران سرکوبگران خود را در خود غرق خواهد کرد .

کمکت رسیده : رفای فریاد زحمتکشان جنوب

اصفهان

| | |
|--------|-----------|
| ۱۶ - ه | ۵۰۰۰ ریال |
| ۱۸ - ع | ۲۰۰۰ ریال |
| ۱۲ - ح | ۲۰۰۰ ریال |
| ۱۴ - ص | ۲۰۰۰ ریال |

بقیه از صفحه ۱۸
اخیرو اذیت و آزار مردم مبارزمه
باد فعالانه دست داشته و مورد تلفر
شدید مردم بود . کشته شدن او با
شور و هیجان زیادی در شهر مهاباد
روبرو گردیده است . رضا خیری برا
در بزرگتر اکبر خبری که از جا شهادت
و عوامل مهم رژیم در شهر مهاباد
بود ، از مدتی قبل بوسیله پیشنهاد
مرگان مادستگیر وزندانی گردیده
است .

نیز روز ۵۹/۱۰/۲۷ پیشمرگان
کومله از سری عملیاتی بودکه
بنام عملیات شهید احمد " بدلت
ده روز در شهر مهاباد سازمان داده
شده بود .

بقیه از صفحه ۱۸
عدد زیادی بشهادت رسیده و باز خمی
گردیده اند و خانه های بسیاری
ویران و بسیاری از زحمتکشان این
دهات در این سرمای زمستان آواره
شده اند .

کرده است با وجود این پشتیبانی آنان از جنبش
مقاومت خلق کرد روز بروز بیشتر میشود علت
آنست که مردم کردستان همه امید خود را به
جنبش و سازمانهای سیاسی آنسته اند

بنظر من اگر این سازمانها به مسئله
چکونگی اعمال حاکمیت برخورد صحیح داشته باشند
با اعدام دلگرمی و امیدواری بیشتر مردم میشوند و
اگر خدای نخواسته بشیوه ای نادرست با آن برخورد
کنند در مردم دلسوزی و نومیدی ایجاد مینمایند
بنا بر این با توجه به شرایط فعلی پیشنهادهای
خود را در مورد مسئله حاکمیت بصورت زیرا علام
میدارم :

۱ - سازمانهای سیاسی کردستان با پدال مصل
خدش ناپذیر حاکمیت خلق را در نظر داشته باشد
و قدرت خود را متفوق مردم قرار ندهند .

۲ - امور اجرایی در شهر و روستا با پذیده است
ارگانهای اجرایی منتخب مردم سپرده شود . سازه
مانهای سیاسی در کردستان باید از این ارگان
ها پشتیبانی نمایند و ارگانهای مزبور باید
اختیار داشته باشند در صورت لزوم برای اجرای
تصمیمات خود از سازمانهای سیاسی کردستان
یاری بخواهند .

۳ - کمکهای مردم سازمانهای سیاسی باید
داوطلبانه وبدور از هر گونه اجبار و اکراه
باشد ، تا مردم نسبت به جنبش بیش از پیش دل .
گرم و امیدوار بوده و پیوند میان آنان و پیشمر

بقیه از صفحه ۱۸

آن بر میآمدند او مانند همیشه صالح سازمان را بر
منافع شخصی ترجیح داده و بدون تردید و تزلزل
پاسخ داد : آری ، من کومله هستم و برای سازمانم
کار میکنم .

جلادان جمهوری اسلامی از وی پرسیدند " بسیار
خوب اطلاعات را بده و کسانی را که میشناسی معرفی
کن " اما او در جواب گفت : " من هیچکس دیگر را بجز احمد نمیشناسم "
و با این ترتیب نشان داد که جز خودش هیچکس دیگر
را به آنها نخواهد گفت . رفیق شهید شعبانی در زیر
شیدیدترین شکنجه ها حتی اسم حقیقی خود را بسوزور
ندااد خود را بنام احمد احمدی معرفی کرد و با همین
نام بود که رادیو مهاباد خبرنامه سپاه پاسداران
با خوشحالی خبر دستگیری و اعدام این مبارزه انقلابی
را اعلام کردند .

مدت سه روز تماش او را بشیدیدترین ووحشیانه تر -
بن شیوه هاشی که تنها در خور دژخیمان جمهوری
اسلامی است شکنجه کردند ، اما اراده اش را باندازه
رسوزنی هم نتوانستند حست کنند . لبهای رازدار او و
هرگز از هم نگشود . خنده های پیروزی اولیه
را بر لبهای دژخیمانش خنکانید . عمل ارتقای
جنایه اش را مخفیانه در گورستان شهرانداختند و
حالیکه تمام بیضی را از ضربات شکنجه کیبود و صورت شدید اسوزا -
نیده و با بیست گلوله اعدام شدند . اما
سراجام او بود که اراده دشمنان طبقاتیش را در هم
شکست و آنها را زیستگانه در برابر گوه استوار مقاومت
خود بزانسو در آورد .

روستای سرچنار بار دیگر گلوله باران شد...

۵۹/۱۰/۲۸ - پراشر خمپاره باران و به توب بستن روستای سرچنار توسط ارتشاران و پاسداران مستقر در میاندوآب یکنفر شهید و ۶ نفر زخمی گردیدند و خسارات مالی زیادی به اهالی این روستا وارد آمد. رژیم خدختقی جمهوری اسلامی هر روز دهات اطراف میاندوآب را به توب و خمپاره میبندد کندر نتیجه آن در روستاهای این منطقه

بقیه در صفحه ۱۷

نقل از خبرنا مهکومله شماره ۱۵۹

★ پیاد رفیق شهید کاک احمد شعبانی

روز سیزدهم دیماه، سازمان مایکی از اعضا و مسئولین بخش مخفی تشکیلات خود را در مها با داشت داد. در این روز رفیق کاک "احمد شعبانی" به جوخه اعدام جلادان رژیم جمهوری اسلامی سپرده شد و زندگی سراسر شور و مبارزه اش که آنرا بتمامی وقف امر طبقه کارگر کرده بود، بخاموشی گرا بید. شهید احمد شعبانی سه روز قبل از آن یعنی در دهم دیماه در شهر مهاباد توسط پاسداران و جانها محاصره و دستگیر شد. از جیب او نامه هاشی کشف شد که واپسی تشکیلاتی او را کاملاً محروم ساخت و شهید احمد موفق نشده بود هنگام محاصره و دستگیری آنها را سربه نیست نماید. او که سالها در دوران خلقان رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی با کار در شرایط مخفی آشنا شده است، میدانست که هنگام دستگیری با یستی از دادن هر گونه اطلاعات سیاسی و سازمانی و منجمله هویت تشکیلاتی خود بدشمن خودداری نماید. اما این بار که هویت تشکیلاتی او برای دشمن روشن شده بود و میدانست که وی را شکنجه و اعدام خواهد کرد، تضمیم گرفت در عین حال که کومله بودنش را همچون پنک سنگین بر مغز پاسداران جهل و سرمایه میکوبد، داغ کسب هر گونه اطلاعات را نیز سر دل دشمنانش بگذارد. این تضمیم دشواری بود که شهدا مارکسیست-لئینیست‌های واقعی از عهده انجام

بقیه در صفحه ۱۷

خبری جاش معروف بود. پاسداران او را به بیمارستان شیروخورشید منتقل کردند، اما دوام نیاورد و در آن حابه لافت میرسد. اکبر خبری در دستگیری و اعدام رفیق شهید احمد شعبانی نقش اصلی را بعده داشت وعلاوه بر این درخانه گردی های

بقیه در صفحه ۱۷

۵۹/۱۰/۲۲ - ساعت ۴ بعد از ظهر چند نفر جاش و پاسدار در خیابان پهلوی سابق (نزدیکی گلله سوره) بکمین پیشمرگان کومله افتادند، و در زیر باران گلوله های پیشمرگان سه پاسدار و جاش مورد اصابت قرار میگیرند که یکی از آنها اکبر

بیانیه هاموستا شیخ عزالدین حسینی درباره اوضاع جاوی کردستان ایران

بمحض است سالگرد اعلام جمهوری خود مختار کردستان ما موستا شیخ عزالدین حسینی بیانیه مفصلی منتشر نموده است که حاوی نکات بسیار مهمی از نظریات ایشان در مورد مسائل جاری کردستان و ایران میباشد. این بیانیه با مقدمه‌ای از "دفتر سید عزالدین حسینی" منتشر گردیده است. ما طی چند شماره خبرنا مه قسمتهای از بیانیه را به آگاهیتان میرسانیم.

در قسمتی از بیانیه ما موستا نقطه نظرات و پیشنهادات خود را در مورد مساله حاکمیت در مناطق آزادشده کردستان چنین خلاصه میکند:

"... اکنون در کردستان، اکثر شهر ها در باره باشناک رژیم درآمده اند و حاکمیت خدختقی جمهوری اسلامی با ردیگر با عکس العمل انقلابی مردم روبرو شده است. زیرا این مردم در دوران زندگانی پر جنب و جوش حضور پیشمرگان، طعم شیرین آزادی و دمکراسی را چشیده اند و هرگز نمیتوانند حاکمیت سرکوبگران جمهوری اسلامی را تحمل کنند.

این واقعیات مارا برآن میدارد که به مسئله چگونگی اعمال حاکمیت در مناطق آزادشده کردستان توجه دقیقترا نشان دهیم و آنرا درست کریم نگهربیم. اینک بعضی شهر ها و کلیه مناطق روستائی کردستان فشار سنگینی را تحمل

بقیه در صفحه ۱۷

برقراری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر